

# ۱۰ سال از شهادت رفیق پرویز حکمت جو عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران گذشت

صفحه ۷

## راه توده

شهرمادران حیدرآباد در خوار از کشور

جمعه ۲۷ خرداد ۱۳۲۲ مطابق ۲  
رخان ۱۴۰۳ و ۱۷ ژوئن ۱۹۸۳  
سال اول، شماره ۲۶۶  
پهنا: ۴۰ سانتی‌متر

## ساواک بازسازی شده توسط جمهوری اسلامی نیز قادر به انجام رسالت ساواک آریامهر نیست!

کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرکوب جنبش رهائی بخش دهه ۲۰ و اوایل دهه ۳۰، در عین حال که برای نیروهای انقلابی حاوی نکات آموزنده و تجارب گرانبها بود و لزوم اتحاد عمل و وحدت آنها را در مقابل ارتجاع و امپریالیسم یکبار دیگر با روشنی نشان داد، برای نیروهای ضد انقلابی و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا نیز یادآور این نکته بود، که برای تبدیل ایران به منبع غارت مواد نفتی و "جزیره ثباتی" که سکوت گورستان بر آن حاکم باشد، باید رژیم حاصل از کودتا را به آنچنان دستگاه امنیتی مدرن و نیرومندی مجهز سازند، که قادر باشد در دراز مدت سبقت گرفته امپریالیسم را بر میهن ما تأمین نموده و هرگونه صدای آزاد یخواهی و استقلال طلبی را در گلو خفه سازد.

امپریالیسم جهانی و عامل داخلی آن دربار پهلوی، که از رشد بیسابقه جنبش مردم با شرکت موثر حزب توده - ایران در سالهای پس از جنگ دوم جهانی و برای ملی شدن نفت، خاطره تلخی داشتند، پس از کودتای ۲۸ مرداد، دیگر دستگاههای سرکوب پلیسی سابق از جمله رکن دوم ارتش، ژاندارمری، شهریانی و اویاشان مزد بگیر را برای اعمال حکومت ترور و خفقان مناسب نمی دیدند و از همین رو تصمیم به سازماندهی نیروی امنیتی نیرومندی بنام "سازمان امنیت و اطلاعات کشور" (ساواک) گرفتند.

بقیه در صفحه ۱۴

## پیروزی از آن حزب توده ایران است

صفحات متعددی از روزنامه‌های مجاز در جمهوری اسلامی ایران به "ردیه" ها و "ترجیح بند های" سرست از "پیروزی بر حزب توده" و "لجن پراکنی به حزب شهیدان و قهرمانان و به اتحاد شوروی اختصاص دارد." با نظری کوتاه به این "مقالات" و "سفر مقالات" میتوان منظور طراحان این مطلب را، که در اساس بد نیال القاء چیز دیگری هستند، فهمید. این قلمزنان در واقع میخواهند سیاست خیانت به انقلاب را توسط حاکمیت راستگرایان و تسلیم طلبان تطهیر کنند. سیاستی که، بیه واسطه، اعتماد روز افزون توده‌های زحمتکش و محروم میهن ما نسبت به حزب توده ایران، قدم بقدم افشای میشود. آنها سعی می‌کنند سیاست سازشکارانه خود را که دیگر جهت‌ش پسوی "قبله غرب" سرمایه‌داری است، با سیاست دولت جوان اتحاد شوروی در سالهای پس از انقلاب کبیر اکتبر یکی قلمداد سازند و از این طریق برای سیاست خود اعتبار "انقلابی" بودن کسب کنند. سیاست انقلابی دهها ساله کشور شوراهای که با پیروزی برگزیده ارتجاعی عقب مانده روسیه تزاری و آشتی ناپذیری با سرمایه داری و امپریالیسم همراه بوده است، از آنچنان بقیه در صفحه ۶

## ما "انتقاد منصفانه" موافقیم!

"مستضعف، مستضعف تر شده است"

این روزها در ایران رسم شده است، که همه موقع صحبتشان بطلبند که باید هر کس انتقادی دارد قبل از طرح انتقاد خود، دستاورد های انقلاب را بر شمرد و آنها را ارج نهادن انتقادش "انتقاد منصفانه" باشد.

ما با این معنی موافقیم و اعتقاد راسخ داریم، که هر کس دستاورد های انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما را فراموش کند و یا بگوید، که آنها بیه فراموشی سپرده شوند و یا مهمتر از آن به مسخ آنها بپردازد، خیانتست بخشش ناپذیری نسبت به شهدای جانباز و خلق انقلابی و ایثارگر میهن ما کرده است.

## گسترش همبستگی بین المللی برای نجات جان زندانیان توده‌ای

بخشیده است، از مرگ این رفیق، از طریق آگهی های یاد بود روزنامه "کیهان مطلع شدیم. چه بسا که رفقای دیگری تا کنون زیر شکنجه های جلادان جمهوری پشهادت رسیده اند که خاک سرد کور و یا باتلاقیهای ننگ، پیکرهای عزیزشان را همراه با راز مرگ آنان، در کام خود کشیده باشند.

احزاب، سازمانهای مترقی، شخصیت های مبارز و دموکراتهای آلمان، فدرال به فعالیت وسیعی، جهت افشای شکنجه های اعمال شده در مورد زندانیان توده‌ای، دست زده و اخبار مربوط بقیه در صفحه ۳

اخبار واصله از ایران، در مورد ادامسه شکنجه های وحشیانه مبارزین توده‌ای که در سیاهچالهای بی نام و نشان حکومت جمهوری اسلامی بسر می‌برند و معلوم نیست تا کنون چند تن از آنان، بیه سروصدا سر به نیست شده‌اند، افکار عمومی مترقی جهان را بشدت نگران ساخته و بویژه خیر مربوط به شهادت رفیق حسن حسین پور تبریزی، رهبر برجسته جنبش کارگری و سندیگای که در محافل کارگری بین المللی شناخته شده و سابقه مبارزاتی وی به سالهای قبل از کودتای ۲۸ مرداد میرسد، زنگ خطر بود که فعالیت جهت نجات جان زندانیان دیگر را تسریع

## زنده باد حزب توده ایران مدافع راستین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

# مابا "انتقاد منصفانه" موافقیم!

## "مستضعف، مستضعف تر شده است"

بقیه از صفحه ۱

خیانت بخشش ناپذیری کرد مانند که جز لعن و نفرین زحمتکشان و تاریخ، برایشان از مغانی نخواهد بود.

## زحمتکشان از دستاوردهای انقلاب که در خطرند، دفاع می کنند

بهمین علت هم لازم است که مدام دست آورد های انقلاب را به یاد داشته باشیم و تکرار کنیم و برای حفظ آنها بکوشیم و در خاطره های زنده نگه داریم، که انقلاب:

۵۰ هزار مستشار نظامی آمریکا را از ایران بیرون راند،

رژیم سلطنتی - ساواکی را به زباله دان تاریخ انداخت، تا حقوق دمکراتیک و آزادی های قانونی را برای خلق تامین کند،

بد پیمان تجاوزی سنتور را برانداخت، پایگاه های جاسوسی آمریکا را علیه کشور همسایه و دوست ایران و انقلاب آن بزرگید، جاسوسخانه امپریا - لیسیم آمریکا را تسخیر کرد و بست نا زمینه تحقق شعار استقلال واقعی را در میهن ما ایجاد کند، - بیش از ۷۰ درصد صنایع موجود در ایران را ملی کرد و از دست غارتگران کلان سرمایه دار و بزرگ مالک خارج کرد، بانکها، بیمه، معادن و غیره را ثروت عمومی اعلام کرد، شرکت های مختلط را بدوز انداخت، درست به این منظور که پایه های اقتصادی استقلال واقعی جمهوری نو را ایجاد کند،

قانون اساسی ای را تدوین کرد و به تصویب خلق رساند، که با تمام کمبود های آن، زمینیه طفره رفتن از نظام غارتگرانه سرمایه داری را ایجاد می کرد و می توانست در طول زمان پایه های مادی و فنی تامین عدالت اجتماعی را برای خلق ایجاد کند.

آری اینها در کنار مجازات بخشی از سردمداران رژیم سلطنتی - ساواکی، افشا و مبارزه با توطئه های متعدد امپریالیسم آمریکا و جانبازی برای دفاع از میهن انقلابی، دستاوردهای عظیم انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما است، که نه فقط زحمتکشان آنها را فراموش نمی کنند، بلکه با تمام توان خود برای حفظ و تعمیق آنها نبرد کرده اند و خواهند کرد و نبرد انقلابی را تا تحکیم تزلزل ناپذیر آنها ادامه خواهند داد!

اما آنچه که شایان توجه است و پرده از روی تسلیم طلبی مخالفان انتقاد بر میدارد آن است، که آنهایی که روزی با وعد ه ها و تعهدات خود، درست پایبندی خود را به این دستاوردهای انقلاب اعلام کردند و از این طریق اعتماد توده

های مردم را به خود جلب ساختند، اکنون هشدار و انتقادات و افشاگری ها را درباره نقض همین دستاوردها مجاز نمی دانند و آنها را "غیر منصفانه" قلمداد می سازند. زحمتکشان انتقاد دارند، دگراندیشان انتقاد دارند، مسلمانان مبارزه، که همانند دیگر مدافعان دگراندیشی انقلاب زیر فشار هستند و به سرکوبی خونین تر از گذشته تهدید می شوند انتقاد دارند و افشا می کنند نقض همین دستاوردها را!

زیر پا گذاشتن خواست انقلابی خلق در پایان دادن به اختناق رژیم سلطنتی - ساواکی، که اکنون در لباس "اسلامی" و "قانونی" آن، و به کمک دستگاه ساواک شاهنشاهی به وحشیانه ترین شکل آن تجدید شده است.

زیر پا گذاشتن حق ابراز عقیده و بیان بدون سانسور را، که اکنون به تقشیر قرون وسطائی عقاید طبق "موازین شرعی" تبدیل شده است.

زیر پا گذاشتن خواست خلق انقلابی بر ای پایان دادن ابدی به شکنجه روانی و بدنی، که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم تضمین شده است و اکنون بدست "سیا" "جهنگان گمنام" و با نام به بربرمنشانه ترین وضعی علیه زندانیان تود های، سایر دگراندیشان و حتی مسلمانان مبارز اعمال می شود.

زیر پا گذاشتن خواست انقلابی مردم برای تامین عدالت اجتماعی:

جلوگیری از تقسیم اراضی بزرگ مالکی و سر - مداران رژیم گذشته و حتی زمین های موات که به تصویب شورای انقلاب هم رسیده بود. (۱)

باز پس گرفتن زمین هایی که دهقانان در اوایل انقلاب در پی قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب و به مدد هیئت های ۷ نفره واگذاری زمین دریافت کرده بودند، و تحویل آنها به فئودالها. (۲)

باز پس دادن کارخانجات ملی شده به سرمایه داران فراری که به اصطلاح "صاحبان این واحد ها" بوده اند. (۳)

پس دادن اموال مصادره شده ثروتمندان فراری که دوباره به ایران برمی گردند. (۴)

تجدید قرار داد با شرکت مختلط پتروشیمی ایران و ژاپن، که در را پسر همان پاشنه رژیم آریامهری می گرداند و حتی بدتر از آن، گرانتر از آن و واپسته تر از آن. (۵)

کوشش برای دیدن جان در ادامه پروژه های "برق اتمی" رژیم شاهنشاهی، که بر پایه نیاز کشورهای امپریالیستی برای صادرات به کشورهای وابسته و عقب نگه داشته شده و غارت منابع زیر زمینی و ارزی آنها واقع است. (۶)

ادامه و حتی توسعه صنایع مونتاژ و وابسته

با پول نفت، خرید های چند ده و چند صد میلیونی از "تالپوت" ها، که تالپوت های استقلال فنی و صنعتی میهن ما هستند. (۷)

افزایش حجم واردات کالا های امپریالیستی و کاهش صادرات غیر نفتی کشور. (۸)

تلاش برای برگرداندن امپریالیسم به میهن ما از پنجره "اسلامی" آن، یعنی بستن قرار داد های همه جانبه و استراتژیک اقتصادی با پاکستان و ترکیه. (۹)

تشکیل کارتل ها و تراست های توزیع کالا به وسیله سرمایه داران بزرگ. (۱۰)

زیر پا گذاشتن حقوق کارگران در برخورداری از امنیت شغلی، حق بیمه، حداقل دستمزد، مرخصی با استفاده از حقوق و کوشش برای تثبیت قانون ضد کارگری دستبخت "موازین شرعی" توکلی و شرکا!

پس گرفتن زمین هایی که مستضعفین، برای ساختن سرپناهی بموجب قانون "اراضی موات شهری" دریافت کرده بودند. (۱۱)

بی برنامهگی مطلق در تأمین مسکن و سرپناه برای زحمتکشان و بفراموشی سپردن تعهدات خود در این مورد. "شرعی" کردن و از این طریق سخت تر کردن وضع مستاجران بی پناه در مقابل موجران غارتگر به کمک قانون گذاری بدتر از زمان رژیم سلطنتی. (۱۲)

## تسلیم طلبان مواضع اولیه خود را ترک کرده اند

آری، زحمتکشان میهن ما هر روز روشن تر و دقیق تر می بینند و با گوشت و پوستت خود احساس و درک می کنند، که تسلیم طلبانی که امروز حق انتقاد را نیز از آنها سلب می کنند، تسلیم طلبانی، که روزی خود وعده و تعهد تأمین همین خواست های خلق انقلابی را داده بودند، با "تخریب" انتقاد، سند محکومیت خود را امضا می کنند. آنها در واقع با این "تخریب" ها، و با تبدیل ها در "تخریب" ها فقط یک چیز را نشان می دهند و پرده از روی یک واقعیت بر می کشند، و آن این است که آنها از مواضع اولیه خود دست کشید مانند، که آنها جهت گزایش خود شان را عوض کرده اند، که آنها تعهدات و عقاید خود شان را، همانند پیراهن بر چوب رخت آویزان کرده اند و فقط هر چند گاه در حرف و برای ریختن خاک بر چشم زحمتکشان آنرا به سر می کشند، ولی در عمل به راهی میروند، که عاقبتی جز تشدید وابستگی فنی - صنعتی - تجاری - مالی - نظامی و بالاخره سیاسی برای میهن ما بیار نخواهد آورد و شعار استقلال واقعی

بقیه در صفحه ۱۰

# گسترش همبستگی بین المللی برای نجات جان زندانیان توده‌ای

بقیه از صفحه ۱

به این اعمال قساوتگرانه در مطبوعات این کشور انعکاس وسیعی داشته است.

## قلانش گسترده محافل مترقی آلمان فدرال، برای نجات جان زندانیان توده‌ای

تا کنون سازمانها و احزاب متعدد دی که نسبت به دستگیری و شکنجه رهبران و اعضای حزب توده ایران، اعتراض نموده و پشتیبانی خود را از حزب و زندانیان توده‌ای ابراز داشته‌اند، از اینجمله‌اند:

- ۱- حزب کمونیست آلمان فدرال بخش:
  - ایالت بایرن جنوبی ● فرایبورگ ● بیلفلد
  - اولدنبورگ ● بیدن کپف ● کاسل ● رایین لندفلز
  - دارمشتات ● بنز هایم ● اوفن باخ ● هانسبور
  - کیسن ● هاناو ● اشیرون ● کارلسروهه ● آخن
  - ایمر بوتل ● بادن ووتنبرگ ● کوتینگن ● هامبورگ
  - واند سبک ● فرانکفورت ● ساکسن هاوزن ● مونیخ
  - نوی هاوزن ● مونیخ - زود بایرن ● مونیخ زمینس
  - اوست ● مونیخ - نوی پراخ ● ترود رینگ ● ماینز تراین
  - آلتونا ● همیشه لیشتوا

- ۲- جوانان کارگر سوسیالیست آلمان در ایالات و شهرهای مختلف آلمان فدرال
- ۳- اتحادیه دانشجویان فارگزیست آلمان
- ۴- اتحادیه دانشجویان سوسیالیست آلمان
- ۵- اتحادیه ضد فاشیستها در آلمان
- ۶- اتحادیه آلمانی صلح
- ۷- سند یکای علم و تربیت آلمان فدرال
- ۸- پارلمانهای دانشگاههای شهرهای مختلف آلمان فدرال
- ۹- اتحادیه دانشجویان کرد در اروپا - بخش آلمان فدرال
- ۱۰- کمیته برقراری صلح " خاور نزدیک " شعبه های مختلف آلمان فدرال

## همبستگی دوستانه ایران در ایالات متحده بازندانان توده‌ای

روز جمعه بیستم ماه مه، بابتکار " انجمن دوستان آمریکائی ایران انقلابی " (اقری)، مراسمی با شرکت جمعی از افراد و نیروهای مترقی آمریکائی، فلسطینی، یونانی، عراقی و شیلیایی، بمنظور دفاع از رهبران زندانی حزب توده ایران و افشای جنایات و شکنجه‌های اعمال شده در مورد این رفقا، در شهر شیکاگو برگزار گردید. در این مراسم، پس از بررسی اوضاع ایران و نقش حزب در پیشبرد انقلاب و حمله راستگرایان به دستاوردهای انقلاب و به حزب مدافع حقوق زحمتکشان، پرفسور استرلینگ تلاب، استاد دانشگاه الی نویز، شعری را که در وصف جنبش کارگری و حزب توده ایران سروده بود، قرائت

## تظاهرات همبستگی بازندانان توده‌ای در مقابل سفارت ج.ا.ا. در لندن

روز جمعه سوم ژوئن، تظاهراتی با شرکت سازمان جوانان و دانشجویان ایران (ادیسی) و تعدادی از احزاب و سازمانهای مترقی در مقابل سفارت ج.ا.ا. در لندن صورت گرفت. تظاهر کنندگان، پلاکاردهایی در زمینه محکوم ساختن روند حرکت بسوی استقرار یک حکومت راست فاشیستی، سرکوب میهن پرستان در ایران و نكوهش شیوه‌های ردیلانه اعمال تضییق علیه میهن پرستان و پیوسته اعضای حزب توده ایران، در دست داشتند، و در پایان، نامهای پامضای سازمانهای شرکت کننده در تظاهرات، تسلیم سفارت گردید.

بقیه در صفحه ۱۱

کرد و آنگاه اسماعیل اسلوری، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایالات متحده خواست‌های گسترده هم آییسی و از جمله اعزام هیات ناظر بی طرف بایران، جهت دیدار از زندانیان و بررسی وضع آنان و شکنجه‌های اعمال شده در مورد ایشان را مطرح و حاضرین را به شرکت فعال در اقدامات جهت نجات جان رفقای در بند از مرگ حتمی، دعوت نمود.

سازمانهای زیر در منطقه شرق ایالات متحده آمریکا بمنظور اعتراض به دستگیری و شکنجه رهبران و اعضای حزب توده ایران، تلگرام‌هایی به مقامات مسئول در حاکمیت ج.ا.ا. و سفارت ایران در واشنگتن ارسال داشته‌اند:

- اتحادیه بین‌المللی زنان برای صلح و آزادی
- انجمن بین‌المللی حقوقدانان دمکرات
- کنفرانس بین‌المللی حقوقدانان سیاه پوست
- انجمن سیاه پوستان کنگره آمریکا ● سازمان عفو بین‌المللی ● کمیته دوستداران گایانا آزاد



# کنفرانس های مطبوعاتی در پایتخت های اروپا، جنایات حاکمیت راستگرا را افشان نمودند

همانگونه که خوانندگان "راه توده" بخاطر دارند، "کمیته دفاع بین المللی از زندانیان توده های" مرکب از نمایندگان احزاب و سازمان های دمکراتیک، تحقیق دانان و روزنامه نگاران مترقی در تاریخ ۲۱ ماه مه امسال که در دوسلدورف پایه گذاری شد، اقدام به برنامه ریزی یک سلسله فعالیتهای عاجل، جهت نجات جان رفقای توده های در بند از شکنجه های حکومت جمهوری اسلامی نمود. یکی از این اقدامات، برگزاری کنفرانس های بین المللی در پایتختهای کشورهای اروپائی است که شرح آن، در مورد کشورهای یونان و فرانسه، قبلا به اطلاع خوانندگان رسید و در زیر گزارش کنفرانسهای که بترتیب در کشورهای آلمان فدرال (فرانکفورت) و سوئد (استکهلم) و لندن برگزار گردیده است، درج می گردد.

## آلمان فدرال

فرانکفورت، پنجشنبه، نهم ماه ژوئن (۱۹ خرداد ماه)

این جلسه با شرکت شخصیت های علمی، حقوق دانان، مبارزان ضد فاشیست، خبرنگاران آلمانی، نمایندگان "کمیته همبستگی با ایران" و "حزب توده ایران" برگزار گردید. در ابتدا، نماینده "حزب توده ایران" پیرامون روند کنونی انقلاب ایران، هجوم راستگرایان به دستاورد های مردمی این انقلاب و در این چارچوب، تهاجم طبعی حزب توده ایران و پیگرد، بازداشت و شکنجه رهبران و اعضای آن سخنانی ایراد کرد و بعنوان آخرین خبر واسله کشته شدن رفیق حسن حسین پور تبریزی، از رهبران با سابقه جنبش کارگری و یاران وفادار حزب را در زیر شکنجه ذکر نمود. پس از این سخنان، ویدئو فیلم تلویزیونی "اقراریه رهبران حزب بنمایش گزارده شد که حضار را تحت تاثیر قرار داد. سپس میثائیل اپرسکالسکی، روزنامه نگار و عضو "کمیته همبستگی با ایران" اطلاعات جامعی، پیرامون کوششهای سازمانهای جاسوسی کشورهای امپریالیستی و در رأس آن "سیا" در بکار گیری داروهای شیمیایی کوناگون، همزمان با شکنجه های جسمی و روانی، بمنظور مختل نمودن سیستم عصبی قربانیان و کسب "اقراریه" از آنان، در اختیار حضار قرار داد.

در بحث پایانی، کلیه حاضرین، متفقا لزوم رسیدگی فوری بوضع این قربانیان شکنجه های حیوانی درخیمان جمهوری اسلامی، از طریق هیأتها و سازمانهای بین المللی را تأکید نمود و بلادرنگ هیأتی مرکب از ده نفر پزشک، حقوق دان، روزنامه نگار، شخصیت مذهبی و قضائی، از میان

حاضرین تشکیل و آمادگی خود را جهت اعزام بایران، اعلام داشت. بنا بر پیشنهاد دکتر هاینس دیکس، قاضی دادگاه عالی فرانکفورت، و با تأیید حاضرین در جلسه، "سازمان ضد فاشیستها" و "انجمن حقوق دانان دمکرات آلمان"، معرفین این هیأت شناخته شدند.

در پایان جلسه، هیأت اعزامی، متوسل درحواست کسب روافه شد. ایران، بمنظور بررسی وضعیت زندانیان را تهیه و از طریق تلکس با اطلاع سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاریس رسانید.

در متن فوق الذکر، پس از اشاره به دستگیری رهبران حزب توده ایران و مسئولین سند - یكاهای کارگری در بهمن ماه سال گذشته، شکنجه و آزار ایشان و نمایش "اعترافات" تلویزیونی، در مورد سلامت این مبارزین ابراز نگرانی شده و سپس قید گردیده است که آگهی فوت حسن حسین پور تبریزی در روزنامه های ایران، که وی نیز همانند این عده، روز هفدهم بهمن ماه دستگیر گردیده، نگرانی آنان را تشدید نموده و این هیأت مایل است، طی مسافرت به ایران، به بررسی وضع این زندانیان، چه از نظر پزشکی و چه از نظر حقوقی بپردازد.

هیئت فوق مرکب است از:

- ۱- کورت ارباخ، دبیر کل سازمان ضد فاشیستها
- ۲- هانس یونس، نایب رئیس این سازمان
- ۳- دکتر یورگن ردهارت، پرفسور در الهیات
- ۴- دکتر هاینس دیکس، قاضی دادگاه عالی فرانکفورت
- ۵- پرفسور دکتر هانس ماوسباخ، پزشک
- ۶- کارل هاینس وایدنهامر، وکیل دعاوی
- ۷- یواخیم شوام برون، وکیل دعاوی
- ۸- پرفسور دکتر نرمن پش، حقوق دان
- ۹- فرتر شترت تسنباخ، روزنامه نگار
- ۱۰- دکتر وینفرید پک، پزشک

خبر تشکیل جلسه فوق، در مطبوعات مترقی آلمان، انعکاس وسیعی داشته است و روزنامه ها بدرج مطالب مطروحه در جلسه، تشکیل هیئت اعزامی و اطلاعیه مطبوعاتی "کمیته همبستگی با ایران" در این باره پرداخته اند.

## استکهلم

استکهلم، جمعه دهم ژوئن (۲۰ خرداد ماه)

در این روز کنفرانسی مطبوعاتی، با شرکت خبرنگاران رسانه های خبری سوئد، از جمله پسر تیراژترین روزنامه های صبح این کشور، خبرنگارهای خارجی، نمایندگان "کمیته صلح، احزاب و سازمان های دمکراتیک سوئد تشکیل شد. در ابتدا یکی

از رفقای حزب توده ایران، مطالبی در باره اوضاع کنونی کشور، چگونگی ترکیب نیروها در حاکمیت جمهوری اسلامی و دلایل حمله به حزب توده ایران، به سمع حضار رسانید. پس از آن رفیق دیگری، چگونگی کسب "اقراریه" تلویزیونی را از نظر پزشکان و متخصصین سوئدی و خارجی، تشریح نمود و از جمله، نظر پیک روانپزشک، درباره "اقراریه" سه تن از اعضای سازمان "میر" در تلویزیون شیلی را که بدنیال آن، هر سه آنان ناپدید شدند، بیان کرد.

نمایش ویدئو فیلم "اقراریه" تلویزیونی، حیرت و نگرانی شدید حضار را برانگیخت و اینگرید لیندن، روانپزشک عضو سازمان عفو بین المللی، شاخه سوئد، پس از دیدن آن، نظر خود را در مورد کسب "اقراریه" از رفقای توده های تحت فشار شکنجه بیان کرد. بنا بر نظر یکی از فیلمبرداران برجسته سوئدی که فیلم را دیده بود، روشن بود که این مبارزین، به اراده خود سخن نمی گویند و در حالتی اجباری، کلمات را برزین می آورند. آنگاه خواستهای "کمیته دفاع از زندانیان توده های، بخش سوئد، بترتیب زیر مطرح گردید:

- ۱- کسب اجازه ورود به ایران، جهت اعزام یک کمیسیون بی طرف بین المللی، مرکب از پزشکان، روانپزشکان، حقوق دانان و خبرنگاران بمنظور بررسی وضع زندانیان توده های.
- ۲- تحقیق در مورد وضع این زندانیان و گفتگو با آنان، با حضور وکلای منتخب ایشان.
- ۳- تشکیل دادگاه های علنی با نظارت بین المللی.

۴- منع هرگونه شکنجه و آزار اعضا، حزب توده ایران و دیگر نیروهای میهن پرست و آزادخواه.

دوش از حقوق دانان سوئدی حاضر در جلسه بنامهای پرشی براسیت و بوک اسن، توضیحاتی راجع به تشکیل کمیته بین المللی دفاع از زندانیان توده های، در جلسه تغییر شده در دوسلدورف به سمع حاضران رسانیدند. و بخشی از نامه دبیر بخش سوئدی کمیسیون بین المللی حقوق دانان و رئیس کانون وکلای سوئد، بخش استکهلم حاضر در جلسه دوسلدورف، در مورد شیوه کسب "اعترافات" از مبارزین توده های بکم دارو، و شباهت آن با شیوه های بکار گرفته شده در مورد مبارزین دیگر کشورها و تأکید بر این امر که باید کاری کرد تا بکار بردن این شیوه های حیوانی از این پس، در جهان منسوخ گردد، قرائت شده. جلسه با تأیید خواستهای کمیته دفاع از زندانیان توده های و اقدام هر چه سریعتر جهت نجات جان آنان، به پایان رسید.

بقیه در صفحه ۵

# عقب نشینی همچنان ادامه دارد!

بودند، و در اروپا و آمریکا ولو بودند، در این و آخر با شور و شغف در حال بازگشت به وطن عزیز - شان (ایران) هستند.

حال ببینیم برای "مردم" واقعی، زحمتکشان که حزب توده، ایران از آنها دفاع می‌کند، و بهمین خاطر زیر حملات ددمنشانه واقع شده است، چه کاری انجام شده؟ آقای نخست وزیر در افاضاتشان میفرمایند: "بعضی موضوعات هستند که نباید (تأکید از ماست!) از ستاد پیگیری خواسته شوند، بچنون مثال در رابطه با تخطیاتی که احیاناً در امر توزیع و مسایل اقتصادی وجود دارند." - بعبارت دیگر باید "تخلفات در امر توزیع" را به خود وزارت بازرگانی و شخص آقای وزیر حامی آهن خوران (پورااستاد) و شیشه خوران (خساموشی) حواله کرد و "مسائل اقتصادی" را هم به دست همان کلان سرمایه‌داران و نمایندگانشان در وزارتخانه‌ها و نهادهای مربوطه سپرد از برای پنا به گفته آقای نخست وزیر در همان جلسه: "اینکه ستاد میتواند با مسئله گرانی و تورم مبارزه کند یا نه، این مطلبی است که احتیاج به تحلیل عمیقتری دارد." - بعبارت دیگر باز باید به توصیه آقای رئیس جمهور سمیناری تشکیل داد تا ایشان در آن با سری افراشته و سینمای فراخ، همانند توصیه‌شان در مورد قانون کار "اسلامی" بگویند؛ در قرآن و روایات... جستجو کنید تا راه حل "شرعی" آن را بیابید!

بلی، اینست پایان ترازوی تعهدات آنهاست که از اعتقاد خلق به قیمت همان تعهدات بر - خود را شدند! پر واضح است که سرمایه‌داری وابسته و فاسد که دیگر مسلط شده است، قصد دارد از خلیج انقلابی میهن ما انتقام بگیرد و می‌کوشد اینکار را با دست همانهایی که زمانی با وعده‌هایشان بخلق، اعتماد این را بدست آورده، انجام دهد. در تأکید بیشتر این سیاست، یعنی سیاست اطفا آتش انقلابی زحمتکشان میهن ما، آقای امامی کاشانی عضو سوم "ستاد پیگیری" می - افزایش: "چند مسئله هست که همه باید به آن توجه داشته باشند؛ یکی آنکه امیدی که ستاد به مردم داده، باعث بالا بردن توقعات مردم (توجه می‌کنید، که دیگر از مستضعفان صحبتی نیست!) شده که این امر نیز سبب شد که حتی کارهایی که به ستاد مربوط نیستند به آن ارجحان شوند." - این آقایان اگر امروز کم حافظه شده‌اند و درخواستهای حقه "مردم" را "توقعات" میدانند، در روز که رأی اعتماد از آنها می‌گرفتند خود را موافق این "توقعات" نشان داده بودند. اتفاقاً اموری که زحمتکشان ما با آن دست به گریبانند و خواستار حل آنها هستند، در سبب همین مسائل گرانی، تورم، تضییقات به حقوق فردی و اجتماعی آنان و خلاصه اموری است که دیگر رنگ و بویی برای تسلیم طلبیان ندارند و از زمره "توقعات" می‌باشند.

اردیبهشت، در رادیو تلویزیون مقابل چشم گوش میلیونها نفر که جمع شده بودند تا ببینند و بشنوند چه اقداماتی برای رفع محرومیت‌ها انجام گرفته و یا در حال انجام است، شنیدند و دیدند که دیگر در دستور کار این "ستاد پیگیری" - نون شکنی‌ها وجود ندارد. البته ضد انقلابیون فراری و فئودالها از لغو "قانون شکی" هاشمی که در حقتشان شده بود، پی‌نمیب نبودند، و اموال بسیارشان بازپس داده شد. آقای رئیس دیوانعالی در این زمینه گفت: "این مسئله (استرداد اموال ضد انقلابیون و فراری‌ها) که مشکل بسیار پیچیده‌ای شده بود تا حد بسیار زیادی مرتفع شده و اموالی که غیرقانونی توقیف شده بودند به صاحبانشان مسترد شدند." بی جهت نیست که "مردمی" که از انقلاب گریخته

کوه موش زائید! بالاخره بعد از ۵ ماه که زحمتکشان انقلابی میهن ما چشم انتظار احقاق حقوقشان توسط "ستاد پیگیری" فرمان ۸ ماده‌ای، که قرار بود، بالاخره اجرای قانون را تضمین کند، - هد اعلام مرگ آن شدند. جواز دفن این "ستاد پیگیری" و در واقع جواز دفن امیدی که در زحمتکشان میهن ما ایجاد شده بود، با اعلام انتقال وظایف این ستاد به "کوه قضائیه" صادر شد. همان قوه‌ای که به گفته همین آقایانی که امروز تسلیم شده‌اند، غیر انقلابی بود و برای مقابله با آن دستگهای عریض و ظریفی "دادگاههای انقلاب اسلامی" و "شورای عالی قضایی" و انواع و اقسام نهاد های قضایی تا - سپس شد. گردانندگان این ستاد پیگیری در روز ۲۸

## کنفرانس‌های مطبوعاتی در پایتخت‌های اروپا جنایات حاکمیت راستگرا را افشان نمودند

بقیه از صفحه ۴  
لندن

با همین پرچم به میدان آمده و به همان دلیل توده‌های میلیونی را به خود جلب نموده بودند، اما اینک از این اهداف، رو برگرداند ماند. وی در پایان به سوالات نمایندگان خبر - گزارها و حضار، پاسخ گفت. سخنان بعدی آقای جریمی اسمیت و کیسلی انگلیسی بود، که در دوره قبل سمت ریاست "جامعه وکلای ترقی انگلیس" را عهده دار بوده است، وی با خواندن متن موادی از قانون اساسی ۱۰۱۰، منجمله اصول ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸ تأکید کرد: "اصال تضییقات طبقه حزب توده، ایران، نه تنها ناقص کلیه معیارهای انسانی و حقوق بشر و قوانین بین‌المللی است، بلکه ناقص قانون اساسی خود کشور نیز میباشد. وی به خواست به حق تمام نیروهای مدافع حقوق بشر مبنی بر اعزام هیئت ناظر بین‌المللی به ایران جهت دیدار از زندانیان تودمائی، اشاره نمود و از دولت جمهوری اسلامی خواست که اجازه ورود به کشور را به این هیئت بدهد. پس از آن آقای میثاقی اهرسکالسی، روزنامه‌نگار آلمانی، متخص در امر فعالیت‌های "سیا" در آمریکای لاتین و خاور میانه، که تا کنون سه کتاب در این باره، از جمله دو کتاب در باره "ایران نوشته است، با ارائه آمار و ارقام و وقایع مشاهیر در جهان، توجه حضار را به جنایات "سیا"، در مورد مبارزین تودمائی، جلب نمود.

سپس قسمتهائی از فیلم تلویزیونی "آقای ر" نمایش داده شده، که در آن آثار شکنجه و ظلم صورت رفیق کیانوری به خوبی مشهود بود. یک روانپزشک، ضمن بیان نظرات خود اظهار داشته که با مشاهده "این فیلم وی حتی احتمال عمل جراحی مغز را نیز قوی می‌داند و ظلم صورت نیز می‌تواند یکی از اثرات جانبی آن باشد. دکتر فرید من، که به نمایندگی از طرف جامعه پزشکان سوسیالیست در کنفرانس شرکت نموده، بقیه در صفحه ۱۶

لندن، پنجشنبه شانزدهم ژوئن (۲۶ خرداد ماه) در کنفرانس مطبوعاتی تکیه شده در لندن، نمایندگان رسانه‌های گروهی و مطبوعات، منجمله خبرگزاریهای رهتر، یونایتد پرس انترناسیونال، نووستی و خبرنگاران روزنامه‌ها و مجلات میدل ایست، اکونومیک دلیجست، موزینگ استار، نیو ورکر، سوویت وکلی، اتحاد، ارگان مری حزب کمونیست اسرائیل و روزنامه پیر خواننده، یونانی زبان لندن، نمایندگان سازمان های مترقی و اتحادیه‌های کارگری، از جمله نماینده اتحادیه کارکنان و تکنسین های صنعت سینما، نماینده "جامعه پزشکان سوسیالیست و نماینده سازمان فو بین‌المللی شرکت داشتند. در آغاز پتر دافی، دبیر کل "کمیته دفاع از انقلاب ایران" و عضو اتحادیه کارکنان صنعت تنباکو، ضمن شرح مختصری از مبارزات مردم ایران و نیروهای مترقی در جریان انقلاب و طی ۴ سال پس از پیروزی، به تغییرات تناسبات نیروها اشاره نموده و نقش و وظیفه مهمی که نیروهای مترقی جهان و به ویژه جنبش کارگری کشورهای سرمایه داری در همبستگی با مردم ایران و در شرایط فعلی پیروز یا زندانیان تودمی به عهده دارند، را بر شمرد.

سپس رفیق باقر لاجوردی، نماینده "کمیته مرکزی حزب توده" ایران، طی سخنان خود، ضمن رد اتهامات "سیا" ساخته، در مورد مبارزین حزب توده، ایران، دلیل اساسی حمله به حزب را، "جذب و جلب شدن هر چه وسیعتر توده مردم، به حول تنها محوری کسسه هنوز پرچم انقلاب خدامیالیستی و مردم میهن ما، ۵۷ را برافراشته نگاه داشته است، یعنی حزب توده، ایران، از برای نمود و حمله را از طرف نیروهای دانست که خود زمانی

# پیروزی از آن حزب توده ایران است

بقیه از صفحه ۱  
اعتبار و ارزشی نزد زحمتکشان میهن ما برخوردار است که حتی "مغزهای" پشت پرده‌ای که این ارکستر موزیانه و در عین حال ناشیانه را رهبری می‌کنند به آن اعتراف دارند و میخواهند بزم خود از آن بهره‌گیری کنند و برای خیانت خود دست و پای "اعتبار" کنند!

## منطق خیانت

در روی لجن پراکنی به حزب توده ایران، قصد این نوشته‌ها آنست که:

— آستانبوسی پایتخت‌های کشورهای امپریالیستی توسط سفیرای جمهوری اسلامی را که در جریان کنفرانس سران ۷ کشور عمده امپریالیستی در ویلیامسبورگ افسا شد، با تلاش اتحاد شوروی برای ایجاد روابط مسالمت‌آمیز با دول امپریالیستی، بمنظور بند زدن بر وحشیگریهای امپریالیسم و جلوگیری از جنگ‌های جهانی وهستهای یکی قلمداد کرده و آنرا توجیه کنند.  
— "سیاست" تبدیلی ایران به بازار کالاهای خارجی و تخریب تولید داخلی را بجای رابطه برابر حقیق اقتصادی اتحاد شوروی و کشورهای امپریالیستی، که مشابه آن در برنامه حزب توده ایران و همچنین قانون اساسی

جمهوری اسلامی تجویز شده است، یکی قلمداد کرده و آنرا توجیه کنند.

— سیاست در بزرگی و نوکری به درگاه امپریالیسم ژاپن و پرداخت چندین برابر قیمت واقعی برای ساختمان پروژه پتروشیمی را، با تلاش دولت شوروی در سالهای اولیه رشدش برای شکستن چپبه براندازی امپریالیستی و کسب تکنولوژی پیشرفته یکی قلمداد کرده و آنرا توجیه کنند! یعنی میخواهند تلاش برای وارد کردن ژاپن و اروپای غربی را که بوسیله بنی‌صدر تعقیب میشد، بجای اجرای یک برنامه همه جانبه صنعتی کردن کشور بخورد مردم بدهند.

— سیاست اختصاص یک سوم درآمد کل کشور به سرمایه‌داران (اعطای ۸۵۰ میلیارد ریال به بخش خصوصی) را، با بهره‌گیری دولت شوروی در سالهای ۱۹۲۰، از تجربه و سرمایه سرمایه‌دارانی که چپسور بودند تحت نظارت دولت و بدت محدود و در بخش‌های غیر عمده اقتصادی فعال باشند، با آنچه که در جمهوری اسلامی حاکم است، یعنی تسلط روز افزون سرمایه داران و مالکیت‌های بزرگ "مشروع" و نامحدود بر حاکمیت جمهوری اسلامی یکی قلمداد کرده و آنرا توجیه کنند.

— بالاخره با کور کردن منطق انقلابی خلق ما که این سیاستهای خائنه را بحق زیر علامت سوال برد ماند، پایه‌های سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم و در رأس آن امپریالیسم آمریکا را تحکیم کنند، و رژیم شاهنشاهی بدون شاه و ملیس به "مذهب" را مسلط سازند.

نه، این "استدلالها" را مردم انقلابی ما نمی‌پذیرند! نمی‌پذیرند و صد بار هم نمی‌پذیرند!

اگر این منطق پذیرفته میشد نیاز به براندازی رژیم شاه نبود، نیازی به انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن نبود، نیازی به دادن ۱۰۰ هزار شهید نبود، نیازی نبود که در مقابل ارتش متجاوز صدام، صد ها هزار شهید و مجروح و میلیونها نفر آواره بشوند.

تمام این باصطلاح سیاستهای راستگرایان و تسلیم طلبان و تئوری بافان آنها، آشکارا ناقض اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی است که مشعر بر تحکیم اقتصاد دولتی و تعاونی بعنوان پایه و محور فعالیت‌های عمده اقتصادی کشور و نقش مکمل بخش خصوصی است. بگواه تاریخ پرافتخار ۶۶ ساله دولت اتحاد شوروی، سیاست‌های انقلابی آن کشور در رابطه با کشورهای امپریالیستی، کمک به پایه ریزی قویترین اقتصاد دولتی و تعاونی جهان در خدمت زحمتکشان کرده است. در صورتیکه گرایش "سیاست" حاکمیت راستگرایان و تسلیم طلبان در جمهوری اسلامی ایران هر روز بیشتر در خدمت بخش خصوصی، یعنی سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم حرکت می‌کند.

## منطق انقلاب

مارکسیسم واقعی، و نه آن مارکسیسم قلمب شده که دشمنان کینه توز ولی کودن آن قصد بهره برداری از آن را دارند، همان برنامه حزب توده است. ایران است که برای یکایک مسایل و مشکلات جامعه ما راه حل خلقی و انقلابی ارائه می‌کند و تأمین کننده استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی مصرحه در قانون اساسی جمهوری اسلامی است. این مارکسیسم مقبول توده‌های محروم شهر و ده و در برگیرنده اساسیترین اهداف سیاسی - اقتصادی انقلابیون مسلمان است. خشم و غضب مدافعین سرمایه و ارتجاع و تسلیم طلبان در مورد حزب توده ایران هم ناشی از نفوذ روز افزون اندیشه حزب ما در میان مردم زحمتکش و انقلابی میهن ماست.

باصطلاح پیروزی، بر حزب ما، تنها پیش درآمد پیروزی اندیشه‌های کبیر حزب ماست. ترس خائنان واقعی نیز از همین است! پیروزی دور نیست!

## سخنی چند پیرامون مصاحبه مطبوعاتی

شکجه گر و بر رأس آنان سر لشکر فرد وست سبر شکجه گر شاه هم اکنون در خدمت جمهوری اسلامی نیستند؟ آیا ابزار مدرن شکجه خریداری شده از ایالات متحده آمریکا و آلمان غربی در زمان شاه دوباره به آن کشورها بازگردانده شده است؟ سرفقاله نویس "اطلاعات" به این سوالات پاسخ نمی‌دهد، او هم به تقلید از نخست وزیر می‌نویسد: "راستی مگر جز اینست که انقلاب ما فی‌نفسه و فی‌حد ذاته نیرومند و "دشمن شکن" و اعتراف گیر است؟" هم نخست وزیر و هم "اطلاعات" بی‌جهت پای خدا و قرآن و مکتب و انقلاب را به میان می‌کشند. "عملیات شهید بهشتی" و یا یورش فاشیستی به حزب توده ایران، با کمک سازمانهای جاسوسی آمریکا و انگلستان و اسرائیل طرح ریزی و به دست ساواک‌های در خدمت جمهوری اسلامی بموقع اجرا گذارده شده است. به عقیده ناظران سیاسی تبلیغات گسترده پیرامون "عملیات شهید بهشتی" که بگفته فرمانده کل سپاه، قبل از "عملیات والفجر" آغاز شد و رجزخوانیها در باره سربازان با نام و گمانم و غیره برای بالا بردن وجهه در حال افول فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران ضرورت داشت.

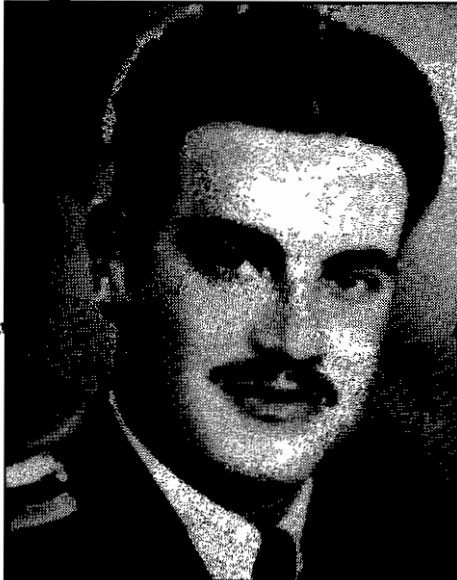
بقیه از صفحه ۹  
کشاندن "قریبانان به پشت میز اقرار جهت نوشتن "اعتراف" از گستاخ و در خور تأمل است. بهر حال همان شیوه‌ها هستند، که امروز با وجود مد ریزه شدن نشان، کم‌اگان به "افتخار" مبتکرین آن به "شیوه‌های فاشیستی شکجه" معروف اند. این گونه شکجه‌ها در ایران بی‌سابقه نیست. سرفقاله نویس "اطلاعات" در پاسخ به اعتراض علیه شکجه تود مایها، منکر وجود سیستم‌های مدرن و پیچیده پلیسی و امنیتی بازجوئی جمهوری اسلامی است. ولی مؤلف سرفقاله تأیید می‌کند که رژیم ضد مردمی شاه "آخرین و قویترین شیوه‌ها و تجربه‌های مدرن پلیسی و امنیتی بازجوئی را در اختیار داشت". وی حتی سیستم شکجه رایج در ساواک را دقیقاً توضیح داده می‌نویسد که ساواک قریبانان را "در سببترین و تنگترین سلولها حبس می‌کرد، پیچیده‌ترین و طولانی‌ترین و شکنندترین ابزار شکجه جسمی و روحی را بکار می‌برد، ظریفترین و گیج کننده‌ترین شیوه‌های بازجوئی را اعمال می‌کرد (اطلاعات ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲). آیا اعمال کنندگان این شیوه‌های فاشیستی ضد بشری باز-پرسان ساواک با القاب "دکتر" و "مهندس" نبودند؟ آیا همان "دکترها" و "مهندسیان"

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!



# ۱۰ سال از شهادت رفیق پرویز حکمت جو عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران گذشت

## روزی که «پرویز» اسطوره شد...



حزب توده ایران، توانست از ایران خارج شود. در سال ۱۳۴۳ رفیق حکمت جو همسراه رفیق علی خساری برای تجدید سازمان حزب توده ایران بومون بازگشت و مدتی بعد هر دو دستگیر شدند.

پیدادگاه شاه خائن، تربیون تازه‌ای بسرای ادامه نبرد با رژیم جنایت پیشه بود. در محاصره سرنیزه‌های شاه مخلوع، رژیم هر دو رفیق را بسه محاکمه کشید و به اعدام محکوم کرد. فشار افکار عمومی و مبارزه پیگیر حزب در ایران و خارج حکم را به حبس ابد تبدیل کرد. دژخیم به تلافی این عقب نشینی اجباری، تصمیم گرفت پرویز را زیر شکنجه‌های قرون وسطائی، از اوچ یک پهلوان اسطوره‌ای بزیر بکشد. از این پس تا ۲۵ خرداد ۱۳۵۳، نبرد بی‌امان رفیق حکمت جو با دژخیمان در زندان ادامه پیدا کرد و در ایسن روز رفیق حکمت جو این نبرد آخر را هم فتح کرد و با نثار خون خویش اسطوره‌های دیگر به تاریخ پرافتخار مبارزات خلقهای ایران افزود.

مادر حکمت جو درباره آخرین ملاقاتش بسا او میگوید:  
"۱۶ اردیبهشت ملاقات داشتیم. پرویز خوشحال بود. نگاه از نگاهم بر نمی داشت. بر خلاف همیشه نمی خواستیم از هم جدا شویم. پرویز میگفت: تو از اینجا تا ویتنام مادی. تو نباید گریه کنی، مادر. آنروز او آخرین زندانی بود که رفت. ملاقات بعدی ۲۲ اردیبهشت بود. آنروز نگهبان گفت، پرویز نیست. پرسیدم کجاست؟ گفت: ۳ شب است او را بسرای بازجویی به کمیته بردماند. روز ۲۴ خرداد روزنامه آیندگان خبری کوتاه انتشار داد که پرویز حکمت جو به مرض اوره فوت کرده است. این خبر را به دخترم میگویند. او به سا و ا ک

رهران قافله خونین تودهایها، پیش از ۴۱ سال زرمیدند، شهید شدند و پرچم خونین انقلاب را برای تداوم نبرد بی‌امان با امپریالیسم وایدی داخلیش، برافراشته نگاه داشتند و با فریاد خونین خویش آنها به رزمنده دیگری سپردند. پرویز حکمت جو از جمله کمسانی بود که این تاریخ خجسته رزم و ایثار را کماز پیشهمنان برجای مانده بود. بردوش گرفت و به آیندگان سپرد و برماست که در اهتزاز آن بکوشیم. ۱۰ سال از شهادت یکی از بهترین فرزندان خلق ایران، یکی از قهرمانان تاپنساک جنبش کارگری و کمونیستی ایران، رفیق شهید پرویز حکمت جو، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، در زیر شکنجه‌های وحشیانه جلادان شاه مخلوع میگذرد. ۱۰ سال پیش در چنین روزهایی جلادان شاه مخلوع رفیق حکمت جو را، بعد از ۹ سال زندان، بار دیگر به شکنجه گاه بردند. دشمن در قامت تاور پرویز آیند ه شکوفایی را میدید که از اعماق تاریکی خوفناک آریامهری سر بر میکشید و آینده پیروزی خلق را نوید میداد. دشمن میخواست آن سرخجسته را، که پیش هیچ زوری خم نمیشد، فرود بیاورد. دشمن همه توان خود را بکار گرفت و زیر وحشیانه ترین شکنجه‌ها پیگر حکمت جو را در هم شکست. دو خیمان کهرشرا شکسته و استخوانهایش را در هم پیچیدند اما از او هرگز فریادی غیر از:

— زنده باد ایران  
— زنده باد حزب توده ایران  
نشنیدند.

رفیق شهید پرویز حکمت جو در سال ۱۳۰۶ در یک خانواده روشنفکر متوسط دنیا آمد. او در سال ۱۳۳۱ به سازمان افسری حزب توده ایران پیوست و پس از لورفتن سازمان افسری

### آخرین پرواز...

نگهبان بند از پاسنهای قدیمی آشنا بود. میدید که خوابان نمی برد. آمد. در سلول را باز کرد. نشست. ساکت بود. سیگاری آتش کرد و ما را به دستویی فرستاد. برگشتیم. با احتیاط از او پرسیدیم: «سلول بظنی چی شده؟» نگاه شیشه وارش در دلان شکست. جواب نداد. رفت. در سلول را بست و رفت. صبح که پستش تمام شده بود، آمد برای خدا حافظی و گفت: «دیگر هیچوقت سراغ آن خلبان را نگیر!» و این آخرین پرواز خلبان بود. رفیق پرویز حکمت جو، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، همچون تمام زندگیش، عقابوار در اوچ، بشهادت رسیده بود...

که آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست! و این نزل را بارها می خواند و تکرار می کرد. رسولی جلاد به او اکتفا می کرد؛ اطلاعات می خواست و نگاهسنگین پرویز سنگ قلب او را خرد می کرد. روز ۲۵ خرداد، تاهار را که خوردیم، صدای خشک لاله، آواز دلهره بود: پرویز را برای بازجویی مجدد می بردند. پرویز تیامد. و شب در رسید. شب از نیمه گذشت، سلول مجاور همچنان خالی بود...

خرداد سال ۵۳، رفیق حکمت جو را از زندان قصر بسلول ۱۳ بند ۴ کمیته آوردند. ابتدا نمی دانستیم زندانی سلول مجاور کیست. ولی خیلی زود، غرض رعبد آمایش، در برابر دژخیمان قهر قدرت، ما را متوجه کرد که این عقاب، ... «افسر خلبان»... پس از ده سال شکنجه و تبعید... به مسلخ بازگشته است. قرار نداشت، از سنگر خشم تودهایش پرولاد محبس آتش می کرد و نگهبانان یارای کنترل او را نداشتند. شیری بود که در قفس نمی گنجید... ضایعی در فضای بند می پیچید که: از آن به دیر مقام عزیز می دارند

# توده‌ای قهرمان راهت ادامه دارد!

# سخنی چند پیرامون مصاحبه مطبوعاتی فرمانده کل سپاه پاسداران

۲۰ اردیبهشت ماه آقای محسن رضائی فرمانده کل سپاه پاسداران و یکی از مهره‌های متنفذ و درشت جمهوری اسلامی، مصاحبه‌ای با خبرنگاران داخلی و خارجی ترتیب داد.

برای نخستین بار فرمانده کل سپاه در مصاحبه ای طولانی و منحصر به یک موضوع شرکت جست. موضوع مورد بحث به گفته وی " عملیات شهید مظلوم بهشتی " بود و منظور، یورش فاشیستی به خانه و کاشانه صدها نفر از اعضا و هواداران حزب توده، ایران، دستگیری و شکنجه و قتل آنان است. سقوط تسلیم طلبان بجائی رسیده که حمله شبانه به خانه‌های شهروندان را، که یگانه گناهشان عضویت در یک حزب رسمی و علنی (نه غیر قانونی و مخفی) است، با عملیات نظامی " والفجر " در یک ردیف قرار می‌دهند. بعضاً انسانها در شقاوت و خونریزی و قانون شکنی و ظلم و جور به درجه‌ای از " سقوط اخلاقی " تنزل می‌کنند که قباحات اعمال خود را درک نمی‌کنند.

آقای رضائی با " افتخار " و بدون احساس عذاب وجدان به خبرنگاران خارجی گفت، که سپاه تحت فرماندهی وی بیش از دو سال، " کار اطلاعاتی منظم و سیستماتیک روی حزب توده صورت " می‌داده است. یعنی سپاه پاسداران بمثابة یک نهاد انقلابی " تابع ولایت فقیه، با توسل به کثیف‌ترین شیوه‌های پلیسی مخایر با تمام اصول فصل سوم قانون اساسی پیرامون " حقوق ملت " علیه اعضای حزب توده " ایران جاسوسی می‌کرده است. آیا این عمل تطبیق شیوه‌های مک کارتیسیم ابداع آمریکا در ایران نیست؟ آقای رضائی به صفت می‌کوشد تا چنین شیوه‌ای را " انساندوست " و " بشر دوست " معرفی کند. عده انتهایی که فرمانده کل سپاه به حزب توده، ایران وارد ساخت، " شروع به تهیه مقدمات، برای براندازی جمهوری اسلامی " بود. ( به متن کامل مصاحبه در اطلاعیات " ۲۲ اردیبهشت ماه ۶۲ مراجعه شود ). بدینسان، برخلاف روزهای نخست پس از دستگیری اعضای حزب توده، ایران، که اتهام بطور عده بر محور " جاسوسی " دور می‌زد، آقای رضائی " تزییراندازی " را مطرح ساخت. طبیعی است، با توجه به سنگینی اتهام وارده، خبرنگاران گرد آمده در مصاحبه مطبوعاتی در انتظار دریافت اسناد و مدارک و یا حداقل دلایل بی‌خدشه و قانع‌کننده بودند. ولی وقتی سخنان فرمانده کل سپاه پایان یافت، حاضرین در مصاحبه مطبوعاتی، دریافتند که " کوه موش زائید ". دلایل " و " مدارکی " که فرمانده کل سپاه پاسداران در اثبات " تزییراندازی " ارائه کرد، برای اکثر خبرنگاران آشنا به ایران قبل از انقلاب، تازگی نداشت. آنها " این " دلایل

را، بدون اندکی کم و کاست، سالها پیش از زبان مقامات عالی‌رتبه ساواک شنیده بودند. با توجه به اینکه اظهارات آقای رضائی در مصاحبه مطبوعاتی ۲۰ اردیبهشت ماه، ادعاهای علیه خود راستگرایان و تسلیم طلبان است، ما خواهیم کوشید مسائل مطروحه در آن را جداگانه خلاصی کنیم تا سیه روی شود هر که در او غش باشد.

آقای رضائی اثبات " شروع به تهیه مقدمات، برای براندازی جمهوری اسلامی " را، از سال ۱۳۲۰، یعنی آغاز فعالیت سیاسی حزب شروع کرد و دلایل زیرین را ارائه نمود:

۱- حزب توده، ایران در تهران اسلام موجودیت نکرد، بلکه به ادعای فرمانده کل سپاه " در شهرهای شمالی ایران بوجود آمد و از همان بدو تأسیس، با کمک و پشتیبانی اجانب فعالیت ورشد کرد و برای خود خط مشی تعیین کرد. چنانکه می‌بینیم، وی موضوع جدیدی را مطرح نمی‌سازد. مشابه این نظر در کتابهایی که ساواک در زمان شاه انتشار داده مندرج است. ولی همه می‌دانند که حزب توده، ایران در سراسر ایران از شمال گرفته تا جنوب، از شرق تا غرب کشور سازمانهای خود را به وجود آورد و در اندک مدتی به اعتراف دوست و دشمن به بزرگترین نیروی سیاسی کشور مبدل شد. دهها هزار کارگر، دهقان و روشنفکر به صفوف حزب توده، ایران پیوستند. آیا اجانب به دهها هزار انسان دستور داده بودند که عضویت حزب توده، ایران را به پذیرند؟

۲- آقای رضائی می‌گوید: " جای پای حزب توده همزمان با انگلستان و آمریکا، در تمام ضرباتی که از پشت به اسلام و انقلاب اسلامی وارد می‌شد مشهود بوده است. کدام " اسلام " و کدام " انقلاب اسلامی "؟ فرمانده کل سپاه با طرح نظر مبتذل و ابلهانه به اصطلاح همکار حزب توده، ایران با انگلستان و آمریکا در تیره چه کسانی کوشا است؟ در کجا مورخین، انقلابی آنهم " اسلامی "، در دوران شاه مظلوم ثبت کرده اند؟ روحانیت رژیم گذشته، بطور عده در خدمت دربار و جیره خواران بود. اسناد و مدارکی که نشریات سپاه پاسداران در باره و بستگی عالیترین مراجع تقلید به دربار و ساواک منتشر ساختند گواه بر این نظر است. " اسلام " این آقایان اسلام درباری، اسلام آمریکائی و انگلیسی بود.

۳- گناه نابخشودنی حزب توده، ایران، به گفته آقای رضائی ( که قاعدتاً باید یکی از دلایل عده ثبوت " تزییراندازی " نیز به شمار رود )، به اصطلاح موضع حزب در زمینه رویداد ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ است. او می‌گوید که در ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ حزب توده، ایران اقدامات شاه را اقدامات مترقیانه‌ای می‌

دانست و سعی می‌کرد رژیم شاه را به شرق سوق دهد. " حزبی که شاه اعضایش را گروه گروه روانه فراموشخانه‌ها و شکنجه‌گاهها می‌کرد و یا در برابر جوخه‌های اعدام قرار می‌داد، حزبی که فعالیت مخفی داشت چگونه می‌توانست رژیم شاه را به شرق سوق دهد؟

آیا آقای رضائی نمی‌دانند که شاه مهره بی‌اراده ای در دست امپریالیسم آمریکا بود؟ وی در سمت فرماندهی کل سپاه پاسداران بهتر از هر شخص دیگری به وابستگی عمیق ارتش ایران از لحاظ تجهیزات نظامی و یدکی‌های مورد نیاز به انحصارهای اسلحه سازی آمریکا آگاه است. و اما در برخورد حزب توده،

ایران به رویدادهای ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، آقای رضائی، علاوه بر اظهارات یادآوری شده در بالا گفت: " حزب توده قیام ۱۵ خرداد و انقلاب ملت ما را یک حرکت ارتجاعی می‌دانست و در طول این حرکت عظیم در سطح جامعه آنروز ما به شدت تبلیغات منفی می‌کرد. " فرمانده کل سپاه، که فاقد دلیل و مدرک برای اثبات اتهام سخیف " تهیه مقدمات براندازی جمهوری اسلامی " است، مانند غریب به خس و خاشاکسی برای نجات خود پناه می‌برد. معلوم نیست، منظور آقای رضائی از انقلاب سال ۱۳۴۲ کدام انقلاب است؟

اگر منظور از انقلاب، حوادث آذر ۱۳۴۱ و خرداد ۱۳۴۲ است، موضع حزب توده، ایران در دفاع از جنبش ضد رژیم شاه و علیه نفوذ روزافزون امپریالیسم آمریکا در شئون مختلف زندگی جامعه ایران به اندازه کافی در مطبوعات حزب توده ایران انتشار یافته است. پخش نطق‌ها و چریک تظاهرات مردم علیه خفقان رژیم شاه در رادیوی پیک ایران، به عنوان تنها صدای آزاد مردم ایران در همان روزها و در سالهای بعد نشانده این پشتیبانی حزب ما از جنبش ضد امپریالیستی و ضد شاه می‌بود و هیچ کس از جمله آقای رضائی هم قادر به پوشاندن آن نخواهد شد.

اما گرایشهای ارتجاعی هم مطرح شده بودند که مورد انتقاد حزب توده، ایران قرار گرفته‌اند گرایشاتی که برخی از نظر پردازان جمهوری اسلامی نیز آنها را " اشتباه " دانسته‌اند.

مثلاً، حجت الاسلام محمد جواد حجتی کرمانی نماینده مجلس شورای اسلامی در اطلاعیات مورخ ۲۵ اسفند سال گذشته نوشت: " ما نباید دچار همان اشتباه شوم که پدران ما دچار آن شدند، برق را و اتوموبیل سواری را و بلندگو و رادیو تلویزیون را از باب عدم تشخیص موضوع " تشبه به کفار " دانستند و تا سالیان دراز از آن اجتناب ورزیدند و وقتی هم سلطه بقیه در صفحه ۹



# سخنی چند پیرامون مصاحبه...

بقیه از صفحه ۸

های اجتناب ناپذیر علم آنان را مجبور به پذیرش کرد، "بخیه السیفی" از ما، عدم آلودگی به این مظاهر پیشرفت علمی و روشنگری را نوعی مقدس مآبی می‌شمردند و تا همین قبل از ۱۵ خرداد ۴۲ بسیاری از ما، خواندن روزنامه و گوش کردن به رادیو و ... را عملاً تحریم کرده بودیم ... گذشت بر ما روزگاری که بسیار از اسلام ما به گذشتیم که فلان چیز و فلان چیز در اسلام جایز نیست و بعد تجدید نظر کردیم و برعکس آن عمل کردیم. من فقط به مسئله شرکت زنان در انتخابات اشاره می‌کنم و رد می‌شوم. این اتهام سنگین را نه حزب توده، ایران، بل یکی از روحانیون نماینده در مجلس شورایی اسلامی وارد می‌کند. وی حتی مسئله "ادراک سیاسی" آقایان علما را تحت سؤال قرار می‌دهد. او صریحاً می‌گوید، که در خرداد ۱۳۴۲ روحانیون به شرکت زنان در انتخابات معترض بودند.

علت ناراحتی فرمانده کل سپاه را باید در موضع کنونی حزب توده، ایران جستجو کرد. بازگشت وی به بیست سال پیش کوششی برای کتمان زواید ادعای کنونی کشور است. ۴- فرمانده کل سپاه، حزب توده، ایران را به "تخریب فرهنگ اسلامی" متهم می‌کند. دلیلی که او ارائه می‌دهد مضحک تر از "اتهام" است. او می‌گوید: "بطوریکه تقی شهرام در سال ۱۳۵۳ وقتی که مواضع جدید منافقین (مواضع مارکسیستی!) را اعلام کرد، گفت که ما پوسته این سازمان را شکافتیم و مغز سازمان را بیرون آوردیم." آقای رضائی انشعاب درون سازمان مجاهدین خلق ایران را در نظر دارد. در این باره خود سازمان مجاهدین خلق ایران تحلیل همه‌جانبه‌ای منتشر ساخته است. ما فقط می‌پرسیم اظها - رات تقی شهرام چه ارتباطی با حزب توده، ایران می‌تواند داشته باشد؟ می‌گویند:

گفته کرد در بلخ آهنگری  
به شوشتر زدند گردن مسگری

۵- آنهایی که شب و روز فریاد می‌کشند "دره‌گو دشمن خدا! است" و در دروغ‌گوئی گوی سبقت را از گویلز، مبلغ هیتر هم ریده‌اند. آقای رضائی حزب توده، ایران را متهم می‌کند که "پایگاه شرق در کلیه کشورهای اسلامی، برای اشاعه افکار کمونیستی و مارکسیستی است." بنا بر این گفته حزب توده، ایران در دهها کشور آسیایی و آفریقایی سازمان دارد و سرگرم اشاعه مارکسیسم است. مقامات مسئول جمهوری اسلامی فکر نمی‌کنند، که با طرح این قبیل ترهات، آنهم در مقابل خبرنگاران زیر دست خارجی، دایره تنگ فهم سیاسی خود را به ثبوت می‌رسانند؟ ۶- فرمانده کل سپاه، حزب توده، ایران را متهم می‌کند، که بعد از انقلاب می‌کوشید به "یک پایگاه سیاسی تبدیل شود" و "به عنوان یک حزب رسمی در کشور جمهوری اسلامی در بیاید."

حتما آقای رضائی هنگام مطالعه پرونده‌های ساواک برای جمع‌آوری "مدارک" علیه حزب توده، ایران، به پرونده غیرقانونی کردن حزب توده، ایران توسط رژیم شاه برخورد کرده و بر اساس "فرمان شاهانه" به نتیجه مذکور رسیده است. هر کودک دبستانی می‌داند، که فعالیت حزب توده، ایران رسمی بود، در غیر اینصورت لزومی به اعلامیه اخیر دادستان کسل انقلاب پیرامون غیر قانونی اعلام کردن فعالیت حزب توده، ایران نمی‌بود. و اما پسرای درک اینک - هر حزبی پایگاه سیاسی طبقه، خاصی است، نیاز به معلومات و وسوسه سیاسی - اجتماعی عینی نیست.

۷- "مهمترین" و در عین حال ساده لوحانه ترین و مضحک ترین اتهام وارده به حزب توده، ایران، در ارتباط با اثبات "تز براندازی، ادعای تأثیر حزب در "خط مشی حکومتی" است. آقای رضائی می‌گوید، گویا حزب توده، ایران، "سعی داشت خط مشی حکومتی را تحت تأثیر خود قرار دهد و جمهوری اسلامی را به سمت اردوگاه شرق و خط شرقی سوق دهد و بعد کم کم می‌خواست ایران را وابسته به شرق بکند و آنگاه در یک براندازی، حزب را به حاکمیت کامل برساند." این بخش از اظهارات فرمانده کل سپاه برای رسانه‌های گروهی غرب تازگی نداشت. زیرا اکثر آنها، طی چهار سال اخیر دهها مقاله در این زمینه منتشر ساخته و توجه سران جمهوری اسلامی را به "نفوذ" حزب توده، ایران در دولت و خطرات واهی ناشی از آن جلب کرده بودند. آقای رضائی نوشته‌های ارگانهای تبلیغاتی امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا را تکرار نمود. همگان آگاهند که از فردای پیروزی انقلاب حزب توده، ایران مورد تهاجم چاقوآران، بنام "حزب اللهی" قرار گرفت، و یک سال بعد نشریات آن تعطیل و دفاترش اشغال و غارت شد و هواداران را از ادارات دولتی اخراج کردند، سپس اعضای حزب را دستگیر و در فراموشخانه‌ها شکنجه داده و گاه کشتند. چنین حزبی چگونه می‌توانست "خط مشی حکومتی" را تغییر دهد؟ برای تغییر خط مشی دولت و براندازی حکومت حداقل باید مقامی مشابه مقام فرماندهی کل سپاه پاسداران را اشغال کرد. تا قبل از دستگیری اعضای حزب توده، ایران، مقامات عالی‌رتبه جمهوری اسلامی در پاسخ به اصرار بلندگوهای امپریالیسم و صهیونیسم، بویژه "صدای آمریکا"، "بی بی سی"، و "صدای اسرائیل" پیرامون به اصطلاح نفوذ حزب توده، ایران در دولت وجود "افراد نفوذی" حزب را در رده‌های بالای حاکمیت جدا نکذیب کردند. آقای محسن رضائی هم در مصاحبه خود به این موضوع پرداخت. وی نخست اظهار داشت: "فریبی‌ها شروع کردند به این اظهارات که پلسه، ما قبلاً می‌گفتیم که حزب توده در تمام ارگانهای

دولتی نفوذ کرده و این کشور را می‌خواهد به سمت شوروی سوق دهد آنها در حقیقت از بیان این مسئله می‌خواهند این امتیاز را بگیرند که حرفهای ما درست بود." ولی کمی بعد وی بحلل نامعلومی، شاید هم برای پوشاندن همسویی نظر و هدف جمهوری اسلامی و امپریالیسم جهانی به این تبلیغات صد و هشتاد درجه تغییر جهت داد و گفت: "خط شرق شروع کرد به اینکه مسئله را خیلی بزرگ جلوه دهد و بگوید که آنها در تمام ارگانها نفوذ داشتند و در سطوح بسیار بالایی وابسته به حزب توده بودند. باید اصلاح کنیم که اینطور نیست و این شایعات بی‌اساس است." آقای رضائی سفیضه می‌کند و دروغ می‌گوید، "شرق" هیچ گاه چنین ادعائی نکرده است. برای نشان دادن اینکه مسئولان مطهرتبه رژیم در اجرای نقشه‌های اهریمنی خود چگونه از شیوه‌های کثیف مانند دروغ و تهمت بهره می‌گیرند به تفسیر روزنامه "پراودا" مراجعه کنیم. در تفسیر "کارزار تبلیغاتی ضد شوروی در ایران" مندرج در شماره ۲۳ اردیبهشت ماه "راه توده" مفسر "پراودا" می‌نویسد: "واقعاً هم چه نوع اطلاعاتی رهبران حزب توده، ایران می‌توانستند به یک کشور خارجی بدهند، زیرا آنها هیچ وقت نه فقط به رهبری کشور دست نیافتند بلکه حتی در ارگانهای اداری و سیاسی ایران هم سمتی نداشتند." "پراودا" در وقت فرمانده سپاه در تعیین منبع اولیه "اتهام" ما از تکذیب وی اتخاذ سند می‌کنیم. زیرا او با نفی دسترس حزب توده، ایران به مقامات تصمیم گیرنده جمهوری اسلامی، پایه‌های لرزان "اتهام جاسوسی" را بکلی ویران ساخت. آقای محسن رضائی در پایان مصاحبه خطاب به خبرنگاران گفت: "شما تصور بفرمائید که رژیم شاه، شاید یک صدم این ضربه را نتوانسته به حزب توده بزند." چرا وی اصرار دارد تا نظام جمهوری اسلامی را خونخوارتر و وحشی تر از رژیم شاه در انتظار ترسیم کند؟ هدف وی از تیرش شاه چیست؟ البته فرمانده کل سپاه در این کوشش تنها نیست. تقریباً همه سران جمهوری اسلامی سحنی دارند حلقه سبعمانه به خانه‌های اعضای حزب توده، ایران را که آدرسهای آنان از کسی پنهان نبود، پست به علیات عظیم و بی سابقه جلوه دهند. مثلاً آقای موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی دستگیری جمعی، جرح و ضرب و شکنجه اعضای حزب توده، ایران را "اقدام تاریخی" می‌خواند و می‌گوید: "این اقدامات در تاریخ یکصد ساله اخیر در رابطه با احزاب الحادای در سراسر جهان بی سابقه است و کشاندن ۱۰۰۰ این گروهک‌ها به پشت تلویزیون و رادیو برای اقرار "نشانه" قدرت و نفوذ اسلام و قرآن است" (اطلاعات ۱۷ اردیبهشت ۶۲). آیا نخست وزیر از جنایات وحشتناک جلادان هیترلی که صدها جلد کتاب در سراسر جهان درباره اش انتشار یافته بی اطلاع است؟ اصرار آقای میرحسین موسوی در باز پرس گوشتن "تلاش افتخار" یورش فاشیستی به احزاب کمونیستی و کشتار دسته جمعی کمونیستها در اروپا بهنگام جنگ جهانی دوم و نیز شیوه‌های فاشیستی

# مابا "انتقاد منصفانه" موافقیم!

بقیه از صفحه ۲

میهن انقلابی را هم، همانند شعار بزرگ دیگر انقلاب، که آزادی برای خلق و علیه استثمارگران بود به خاک خواهد سپرد. راهی که امپریالیست ها و در رأس آنها امپریالیسم آمریکایی را، مستشاران و "متخصصین" آن راه هم از در زیم شاهنشاهی و هم از پنجره "اسلامی" به میهن ما باز خواهد گرداند، که پایه های آن با همکاری های آغاز شده اقتصادی-سیاسی-اطلاعاتی-و نظامی-پلیسی با ترکیه و پاکستان تحکیم می شود. آری خلق می بیند و درک می کند، که نه انتقاد کنندگان بر این "سیاست" ایران بر انداز و ارتجاعی خائند و از انقلاب جدا شده اند، بلکه آنهاست که این انتقادات را محکوم می کنند و انتقاد کنندگان را سرکوب!

(۱) متوقف ساختن قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب در ابتدای جنگ تحمیلی عراق علیه ایران. مثله کردن همین قانون به نام قانون احیاء و واگذاری زمین های زراعی و رد آن توسط شورای نگهبان.

(۲) باز پس گرفتن زمین های دهقانان منطقه "گوراب تولم" از توابع شهرستان صومعه سرا (اطلاعات، ۱ خرداد ۶۲). بند و رای به نفع بزرگ فئودال اصفهان، پرومند، در نامه اهالی سرخوار اصفهان (کیهان، ۲۷ اردیبهشت).

باز پس گرفتن زمین روستائیان روستای "گله دار" از توابع اقلید و محبوس نمودن آنان به علت اعتراض آنها به این اقدام (نطق پیش از دستور آقای عبدالواحد موسوی لاری نماینده لارستان در مجلس شورای اسلامی، ۵ شنبه ۱۲ خرداد ۶۲).

(۳) گزارش عملکرد ۶ ماهه بنیاد مستضعفان توسط رئیس بنیاد مستضعفان (سید مهدی طباطبائی) (اطلاعات، ۵ خرداد ۶۲).

(۴) گزارش عملکرد ۵ ماهه ستاد پیگیری فرمان ۸ ماده ای توسط رئیس دیوان عالی کشور (اطلاعات، ۲۹ اردیبهشت ۶۲).

(۵) سخنان طاهری نجف آبادی، معاون وزیر نفت (کیهان، ۲۱ اردیبهشت ۶۲).

(۶) دکتر حسن غفوری فرد، وزیر نیرو در سه روز در نماز انزلی در جهان سوم (اطلاعات، ۵ خرداد ۶۲).

(۷) فقط سالانه بین ۵ تا ۶ میلیارد دلار کالای نیم ساخته برای مونتاژ کردن در کارخانه های مونتاژ، وارد می شود (سخنان وزیر صنایع، مصطفی هاشمی، در مورد راندمان تولید، سرمایه گذاری، خودکفائی، قانون کار و صنایع ملی شده، اطلاعات ۴ خرداد ۶۲).

(۸) ورود قریب به ۱۷ میلیون تن کالا به ایران فقط از طریق بنادر در سال ۶۱ نسبت واردات و صادرات ایران از نظر ارزش پولی

۱۰۰ به ۱/۴ می باشد. (نطق های پیش از دستور نمایندگان).

(۹) افزایش حجم مبادلات ایران و ترکیه به مبلغ ۲/۵ میلیارد دلار (امضا قرارداد اقتصادی ایران و ترکیه در آنکارا، توسط بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین، اول اردیبهشت ۶۲).  
مقدار داد و استراتژیک اقتصادی با پاکستان (مصوب مجلس شورای اسلامی، روزنامه ها).

(۱۰) حکم دیوان عدالت اداری در باره "موارد تخلف شرکت سهامی گسترش خدمات بازرگانی، مرکز تهیه و توزیع فلزات، کمیته امور صنفی و سازمان مرکزی تعاون کشور در امر توزیع آهن" (اطلاعات، ۲۹ اردیبهشت ۶۲) سود ۵ میلیارد تومانی چند سرمایه دار بزرگ در جریان آزاد کردن خرید برنج (نطق پیش از دستور آقای حسن زاده نماینده کاشمر در مجلس شورای اسلامی، اطلاعات، ۱۷ اردیبهشت ۶۲).

(۱۱) در جریان بالا گرفتن اختلافات فی مابین وزارت مسکن و شهرسازی، دادگاه مستقر در شهرداری و سازمان اراضی شهری، اسناد زمین های داده شده به مردم از سوی دادگاه مستقر در شهرداری از درجه اعتبار ساقط شدند (اظهارات آقای طباطبائی حاکم شرع دادگاه مستقر در شهرداری، اطلاعات ۱۴ خرداد ۶۲).  
اظهارات وزیر مسکن پیرامون مسئله واگذاری زمین و همچنین نطق رئیس دیوان عالی کشور (اطلاعات ۱۶ خرداد ۶۲).

(۱۲) اظهارات دادستان کل کشور پیرامون مسئله مستأجر نشینی در روزهای اخیر.

## محاكمة غیر علنی شهید حسن حسین پور!

آقای موسوی تبریزی می گوید:  
زندانیان تودمائی که زیر شکنجه کشته شده اند تقاضای محاکمه "غیر علنی" خواهند کرد  
آقای موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب طی صاحبیه اختصاصی با خبرنگار واحد مرکزی خبر گفت: "در آینده نزدیک محاکمه اعضا خائن حزب تودمائی را پس از بررسی کامل اطلاعات و تحقیقات لازم صورت خواهد گرفت و ما سعی داریم که کلیه محاکمات، علنی انجام گیرد. مگر اینکه بعضی اعضا این حزب منحل خواستار جلسه غیر علنی شوند."

این اظهار "لطف" آقای دادستان کل انقلاب قابل درک نیست. او از یکسو چپ و راست به ما فحش میدهد، متهمین محاکمه نشده را خائن مینامد، بهنگام دستگیری و بازجویی از پایمال کردن ابتدائی ترین موازین اخلاقی و انسانی ابا ندارد، اسامی دستگیر شده گان را اعلام نمی کند و عدما را زیر شکنجه کشته است ولی ناگهان موافقت میکند که این "خائنین" اگر بخواهند، غیر علنی محاکمه میشوند! واقعاً چه معجزه ای رخ داده است؟ منشاء اینهمه لطف نسبت بیک عده "جاسوس ملحد" چیست؟ تجارب گذشته نشان داده که در این "دادگاه های اسلامی" محاکمه علنی و غیر علنی

تفاوت چندانی با هم ندارد و بهر حال مجلسی خالی از اغیار است، ولی اینکه خود متهمین تقاضای محاکمه غیر علنی کنند تا بی سروصدا کشته شوند بسیار شگفت انگیز است. اینجاست که مشت آقای دادستان کاملاً باز میشود. میخواهند بیباک محاکمه غیر علنی، کشته شدگان زیر شکنجه، نظیر زنده یاد رفیق حسن حسین پور تبریزی را که همراه دیگران در بهمن ماه بازداشت شد و ناگهان در کیهان خواندیم که برگ ناگهانی در گذشته است، باصحنه سازی، دوباره محکوم برگ کنند و بگویند حکم اجرا شد.

نه، نباید چنین اجازت را داد! اگر اجازت و هود و کلای مدافع و حقوق دانان و پزشکان داخلی و خارجی را نمی دهند، لاقلاً این باصطلاح محاکمات باید در حضور خانواده های این فرزندندان شایسته خلق صورت گیرد تا نتوانند اسرار این جنایات وحشتناک را که بنام "اسلام" انجام داده اند از انظار ایرانیان و جهانیان مخفی کنند.  
باید از دولت ایران خواست که اسامی تمام اعضا و هواداران دستگیر شده حزب توده ایران و دیگر سازمانهای سیاسی را اعلام کند تا دستبر و پال حاکمیت برای سر به نیست کردن زندانیان باز نباشد.

## ساواک بازسازی شده توسط جمهوری...

بقیه از صفحه ۱۴

رسماً و صریحاً شیوه های "ساواک آریامهری" را در جامعه ما قانونیت بخشیدند. اینچنین بنظر میاید، که آنها راه خود را انتخاب کرده اند و این راه را هم باید بدانند، که خلق قصور آنها را برای جلوگیری از این فاجعه بحال انقلاب، هیچ گاه نخواهد بخشید و آنها به خلق و انقلاب پاسخگو باقی خواهند ماند.  
اما آنچه که در این رهگذر مربوط به حزب توده ایران است، همانطور که بارها و بارها گفته ایم حتی اگر دشمن طبقاتی موفق شود تک تک توده ایها را دفن کند، قادر نخواهد بود راه حزب واندیشه های آنرا نابود سازد و این باز حزب توده ایران خواهد بود، که چون سمندری از میان آتش و خون برخواید خواست. بقول رفیق شهید خسرو روزبه قهرمان ملی ایران: "روزبه و روزبه ها می میرند، اما راه آنها راه حزب توده ایران، ادامه خواهد یافت."  
همانطور که ساواک آریامهر در رسالت خود برای نابودی حزب توده ایران، به هدف ترسید، ساواک در خدمت جمهوری اسلامی نیز قادر به انجام این کار نخواهد شد. بگذر کورلان باطل و خامان غافل آزموده را یکبار دیگر هم بیازمایند!

# گسترش همبستگی بین المللی...

بقیه از صفحه ۳

در نامه، یورش خفگان آور فاشیستی اخیر به حزب توده، ایران و سایر نیروهای مترقی و شکنجه‌های ددمنشانه اعمال شده در مورد آنان محکوم گردیده و به شیوه‌های رذیلانه "اقرار گیری" از این مبارزین، شدیدا اعتراض شد و خواست اعزام هیأتی بین‌المللی، جهت بازدید زندانیان و بررسی وضع آنان از نزدیک، مطرح گردیده است. امضا کنندگان:

- حزب کمونیست بریتانیا، حزب کمونیست آفریقای جنوبی و سازمانهای زیر در بریتانیا هستند:
- حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست شیلی
- حزب کمونیست پرتغال، حزب کمونیست سوئد
- حزب پیشرو خلق غنا، حزب پیشرو کارگران قبرس-آکل، اتحادیه د مکرآتیک ترکیه
- قبرس، اینتر سندیکال پرتغال، شورای اتحادیه های شیلی، سازمان پیشرو سودانی ها، اعضا و هواداران حزب کمونیست اسرائیل، اعضا و هواداران حزب کمونیست فلسطین، سازمان جوانان کمونیست بریتانیا، جوانان کمونیست یونان، انجمن دانشجویان عراقی، انجمن دانشجویان کرد در اروپا، اتحادیه دانشجویان قبرس، اتحادیه دانشجویی ترکیه، قبرس، سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران (ادبی)

همزمان با تظاهراتی که بمنظور اعتراض به شکنجه زندانیان توده‌ای، روز جمعه سوم ژوئن به دعوت کمیته دفاع از انقلاب ایران، ترتیب داده شد و در آن نمایندگان احزاب و سازمانهای مترقی شرکت داشتند، جمعی از اعضای اتحادیه ملی معلمان آموزش عالی انگلستان، نامه‌ای تسلیم کردار سفارت نمودند. در این نامه پس از اظهار نگرانی عمیق نسبت به حوادث اخیر ایران و بویژه مسأله دستگیری، شکنجه و "اتاقیر" تلویزیونی رهبران حزب توده، ایران، اعزام هیأتی جهت بررسی وضع این زندانیان، درخواست شده است.

در کنفرانس سالانه بخش تکنیکی و مشاورتی مجتمع اتحادیه‌های کارگران مهندسی که از تاریخ بیست و سوم تا بیست و هفتم ماه مه سال جاری برگزار گردید، قطعنامه‌ای در مورد دستگیری و شکنجه زندانیان توده‌ای، با تفاسق آرا، تصویب رسید. در قطعنامه ضمن محکوم کردن این اعمال و نیز اعلام "انحلال" حزب توده، ایران، این اقدامات، خیانت به آرمان انقلابی مردم ایران تلقی گردیده و از کمیته اجرایی "مجتمع" خواسته شده است تا از طریق "شورای اتحادیه‌های کارگری انگلستان" و سایر نهاد بین‌المللی دیگری، در جهت تحقق خواست‌های زیر اقدام نماید:

- ۱- پایان دادن به شکنجه
- ۲- آزادی بلادرنگ زندانیان سیاسی
- ۳- ضمانت آزادی فعالیت احزاب سیاسی بر اساس اصل ۲۶ قانون اساسی ج ۱۰۱۰.

## تشدید همبستگی کمونیستهای یونان با حزب توده ایران!

بد نیال اعمال جنایات تاریخی دشمنان استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، در مورد اعضای رهبری حزب توده، ایران، و شدت آن در هفته‌های اخیر، همبستگی رفقای حزب کمونیست یونان و سایر دمکراتهای این کشور نیز گسترش می‌یابد.

هفته گذشته، اجتماعتی مرکب از ۲۰۰ نفر از کارکنان روزنامه "ریزوس پاستیس"، ارگان حزب کمونیست یونان، تشکیل گردید که ضمن آن، رفیق پاپاریگاس، عضو مشاور کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان، درباره تحولات اخیر ایران و همچنین تشدید تضییق، پیگرد و سرکوب در مورد حزب

با امضا و ارسال کارتها برای مقامات جمهوری اسلامی، صدای اعتراض خود را بر علیه این جنایات هر چه بلندتر کرده و آزادی فوری مبارزین توده‌ای را خواستار گردیدند.

## حزب کمونیست و سندیگاههای کارگری ایتالیا، بنام میلیونها کارگران کشور، نسبت به دستگیری و شکنجه رهبران و اعضای حزب توده ایران اعتراض می‌کنند

کنفدراسیون عمومی کار ایتالیا، CGIL (سندیگای سراسری کارگران) طی ارسال نامه‌ای به سفارت ج ۱۰۱۰ در ایران، مراتب نگرانی خود را از بازداشت و شکنجه رهبران و اعضای حزب توده، ایران و اعمال پیگرد و سرکوب علیه مبارزین پرستان، ابراز می‌دارند. در نامه از جمله آمده است:

"در میان بازداشت شدگان توده‌ای، مبارزینی بچشم می‌خورند که سالیان سال تحت پیگرد حکومت دیکتاتوری پهلوی بوده‌اند و بازداشت آنان بدست حکومت ج ۱۰۱۰ موجی از



هزاران نفر با شعار "دستا از حزب توده ایران کوتاه باد" در شهر سالونیک (یونان) در تظاهرات با همکاری شرکت کرده.

خشم و انزجار، بویژه در میان کارگران ایتالیا که از مبارزه آنان بر علیه حکومت جبار پهلوی همواره پشتیبانی کرده‌اند، برانگیخته است.

رفقا آنتونیو روی مسئول شعبه بیسن المللی کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا و ماشیمو میکوجی با رفقای حزب توده، ایران در ایتالیا ملاقاتی بعمل آوردند که ضمن آن در باره تضییقات اعمال شده بوسیله دولت علیه حزب دستگیری رهبران و اعضای آن، تشدید فشار برای خارج کردن حزب توده ایران از صحنه سیاست ایران و سرکوب کلیه نیروهای اپوزیسیون مترقی، تبادل نظر کردند.

رفقا روی و میکوجی بنماینده‌ای از طرف حزب کمونیست ایتالیا، اقدامات دولت ایران را شدیداً محکوم کردند و همبستگی حزب کمونیست ایتالیا را با رفقای توده‌ای، که بزندان افکنده شده‌اند و با تمام نیروهای مترقی تحت پیگرد، اعلام کردند. آنان ضمن ابراز نگرانی از این جریانها یادآور شدند که مشی دلتمردان محافظه کار و سیاستی که از آن پیروی میکنند، انقلاب ایران را هر روز بیشتر از اهداف اولیه آن، "استقلال" "آزادی" و "عدالت اجتماعی" دور می‌سازد.

توده، ایران و اعضای آن، بیاناتی به تفصیل ایراد کرد.

روزنامه "اودی گی دیس" ارگان سازمان جوانان کمونیست یونان، در نهم ژوئن ۱۹۸۳، ضمن درج مقاله‌ای، متن مصاحبه با هیئت نمایندگی حزب توده، ایران را تحت عنوان "چه چیز پشت سرکوبها پنهان شده است؟" به چاپ رسانیده است. در این مصاحبه، چکوب-نگی نفوذ راستگرایان و بقدرت رسیدن آنان در کلیه نهاد های حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و در بین آن حمله به دستاورد های انقلاب و مدافعان آن و سرکوب کمونیستهای ایران، به تفصیل تشریح شده است. در مقاله همچنین، شکنجه‌های اعمال شده در مورد رهبران حزب توده، ایران و شیوه‌های کسب "اعترافات" تشریح گردیده و ضمن چاپ عکس رفیق کیانوری قبل و بعد از "اعترافات" و مقایسه آن دو با هم، توضیح داده شده است که ما قبلاً "اعترافات" را دیدیم، و به جنایات اعمال شده پی بردیم. روزنامه با چاپ کارت پستی از کلیه خوانندگان و شخصیت‌های مترقی خواسته است که

# در هفته ای که گذشت

## تشدید تحریکات نظامی آمریکا در منطقه: تضمینی برای تثبیت کامل چرخش به راست در حاکمیت ایران

آمریکا و عمالش در منطقه به توطئه‌ها و تجاوزات خود ادامه می‌دهند. از یک سو تهدید نظامی سوریه از جانب اسرائیل، متحد استراتژیک آمریکا روز بروز ابعاد تازه‌تری بخود می‌گیرد، از سوی دیگر رژیم ترکیه، عضو ناتو و متحد آمریکائی حاکمیت ایران، شرق این کشور را به محل مانور نظامی "ماجرای ۸۲" و تاخت و تاز نیروهای ۶ کشور امپریالیستی تبدیل می‌کند و بالاخره رژیم‌های آمریکائی آنکارا و بغداد بسا توافق قبلی و بدستور آمریکا زیر چتر حفاظت این مانور نظامی، امر سرکوب جنبش ضد دیکتاتور در شمال عراق را به ۱۵ هزار چکه پوش ارتش ترکیه واگذار می‌کنند.

به گزارش روزنامه اومانیت در ۳۰ ماه مه: طبق اظهارات مقامات دولتی عراق و ترکیه، این عملیات با توافق طرفین انجام گرفته و طرح آن از مدتها پیش توسط دو رژیم مشترکا ریخته شده است. چتر بازهای رژیم فاشیستی ترکیه منطقه پتوفه را که تا چند روز پیش مقر رهبری حزب کمونیست عراق بود اشغال کردند، ولی خودبخود خاسته رهبران حزب کمونیست عراق این منطقه را چند روز پیش پس از درگیری با نیروهای اتحادیه میهنی کردستان ترک نموده بودند. دامنه این عملیات هر روز وسعت بیشتری می‌یابد.

این خبر، با وضوح کامل هدف اصلی نیروهای هوادار امپریالیسم در منطقه را نشان می‌دهد: پیگرد و سرکوب کمونیستها و دیگر نیروهای دمکراتیک. کاری که در ایران ژنرال‌های شاهنشاهی، یعنی فردوستها انجام می‌دهند، در عراق به‌مهده ژنرال‌های ترک واگذار شده است. و اینست علت سکوت تأیید آمیز و زواریت خارجه جمهوری اسلامی و دیگر مسئولان.

تشدید تحریکات نظامی آمریکا و رژیم‌های دست‌نشاندها در منطقه نوعی تضمین و دلگرمی برای تعرض بعدی راستگرایان منظور تثبیت کامل چرخش به راست در حاکمیت ایران است. گو اینکه امروز حاکمیت جمهوری اسلامی ایران هر روز بیشتر به خواست و اراده امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا گردن می‌نهد، گو اینکه در میهن ما دست ضد انقلاب را باز کرده و دست و پای انقلاب را می‌بندند، گو اینکه دروازه‌های کشور را بروی "شیطان بزرگ" باز کرده و یاران صادق انقلاب را دستگیر می‌کنند و شکنجه می‌دهند و به جوخه اسد ام

می‌سپارند، اما امپریالیسم آمریکا هنوز به این خوش خدمتی‌ها قانع نیست. او ایران را می‌خواهد. او برقراری مجدد سلطه همه جانبه خود را می‌طلبد. تحقق چنین اهدافی تنها با تغییر کیفی در دستگاه حکومتی علی است. به همین منظور چه در پیرامون ایران و چه در داخل کشور آخرین تدارکات بمنظور انجام تصفیه ای وسیع و خونین در حال اجرا است.

نکته جالب اینجا است که در حالی که نیروهای ترکیه بدستور آمریکا با مانور نظامی و رود بخاک عراق ورود به خاک ایران را تحریم میکنند، از سوی محافل رسمی ایران کوچکترین اشاراتی به نقش امپریالیسم آمریکا و رژیم نظامی ترکیه در این تحریکات بعمل نیامده و در عوض سخنگویان سیاست حاکمیت ایران به حربه انحراف اذهان متوسل شده‌اند و این موضوع را تنها بعنوان "ضخف رژیم صدام" قلمداد کرده‌اند. هم در خطبه‌های نماز جمعه، هم در اظهارات اعضای شورایی عالی دفاع و هم در بیانیه وزارت امور خارجه معرکه گردان اصلی این تحریکات امپریالیسم آمریکا، فراموشی هملحت آمیز سپرده شده و از هر اعتراضی صون می‌مانند! آیا این سازش با امپریالیسم آمریکا، این دشمن اصلی همه خلقهای جهان، منطقه و ایران نیست؟

## تلاش بیفایده حکومت برای کتمان بحران

بحران همه جانبه‌ای سراسر جامعه ما را فرا گرفته است. مرم ترین معضلات اجتماعی لاینحل ماندند. وضع زندگی زحمتکشان روز بروز رقت بارتر می‌شود. گرانی، بیکاری، یأس و سرخوردگی و ... در میان قربانیان نظام سرمایه داری بیداد می‌کند. و در این میان، راستگرایان و تسلیم طلبان به تلاش بیفایده‌ای برای کتمان این بحران دست زدند.

از یک سو وزیر بازرگانی، که اخیرا بسرای تجهیز همه نیروهای راست نقش فعال تری به عهده گرفته و با مسافرت به نقاط مختلف کشور و سخنرانی‌های فرا، صفحات روزنامه‌ها را از اخبار مربوط بخود پر کرده، اعلام می‌کند که "امروز جامعه ما از نظر سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی در داخل و خارج از کشور با مشکل مهمی روبرو نیست" (کیهان، ۱۲/۳/۶۲) و از سوی دیگر، رئیس جمهوری می‌کوشد بحران عمیق حاکم بر کشور را "مشکلات طبیعی کوچک" (اطلاعات، ۱۰/۳/۶۲) جلوه دهد که گویا مدعی می‌خواهند آن را "در دید همگان بگیرند و افراد را از آینده انقلاب مأیوس کنند" و طبیعی است که "آن عده" را باید سرکوب کرد و گرنه بقل آقای رئیس جمهوری "دولت

بلاحت بخرج داده است" اما زحمتکشان همه می‌دانند که این نشان دادن بحران و راه برون رفت از آن، این طلب کردن حقوق زحمتکشان و مبارزه با کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان نیست که آنها را مأیوس می‌کند. آنها می‌خواهند زحمتکشان را از مبارزه انقلابی مأیوس کنند و بخلق قبولانند که "سه سه بار، نه نه بار غلط کردند که انقلاب کردند" که راه سرکوب و شکنجه و زندان و ترور و اختناق برای پیگیرترین مدافعین عدالت اجتماعی را در پیش گرفته‌اند.

آقای جنتی در مقابل دیدگان بهت زده شرکت کنندگان در سمینار هیات‌های ۷ نفره در مشهد که از جمهوری اسلامی انتظار اصلاحات ارضی انقلابی و زمین برای کشاورزان را داشتند و اینک تاخت و تاز فئودالها و دادگاهی شدن محرومترین اقشار دهقانان را می‌بینند، می‌گوید: "برادران عزیز... دلسرد نشوید، بحران است" (اطلاعات، ۱۲/۳/۶۲) و اعتراف می‌کند که در جنگ با زمینداران، همراهان د بیروزی انقلاب شکست خورد ماند و تسلیب شد ماند، چرا که "جنگ معنایش همین است، این هم یک نوع جنگی است که ما داریم می‌کنیم. و توی این جهاد هم ایجاد اشکال و مانع و شکست و محرومیت و همه چیز هست. اما در عین حال نباید این قضیه موجب یأس و دلسردی و ناامیدی بشود" (همانجا)

باید اینجا از آقای رئیس جمهوری پرسید که کیست که زحمتکشان را مأیوس می‌کند؟ آنها می‌کنند؟ پیگیرانه از حقوق زحمتکشان دفاع می‌کنند، و یا آنها می‌کنند که موعایدی را که به "مستضعفان" داد ماند فراموش می‌کنند و از آنها فاصله می‌گیرند؟ آری، طعیرغم گفته رئیس جمهوری، که بحران فعلی "مشکلی نیست و یک چیز جعلی و دروغی است"، این مشکل خیلی بزرگی است، مشکلی که حکام فعلی قادر به حل آن نیستند و تنها نیروی عظیم توده‌های میلیونی زحمتکشان میهن ما است که به آن خاتمه خواهد داد.

## خط، خط تثبیت

## غارتگری سرمایه داری است

با چرخش برآست در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، کوچکترین امید روزنه‌ای برای اینکه این حاکمیت بتواند حتی به یکی از خواست‌های مردم محروم و زحمتکش میهنمان پاسخ انقلابی دهد باقی نمانده است. تحول اوضاع در مسیر تثبیت غارتگری سرمایه داری است. راه حل‌هایی که برای بحران ارائه می‌شود، راه حل سرمایه داری است.

وزیر بازرگانی در رابطه با تجارت خارجی اعلام می‌کند که سیاست دولت این است که "طوری نشود که دولت همه کاره باشد. ملت (!) هیچ کاره" (اطلاعات، ۱۴/۳/۶۲) و البته روشن است که آن "ملت" می‌کند که باید در عرصه تجارت خارجی فعال باشد کسی جز کلان سرمایه داران نیست و برای توجیه عوام فریبانه آن نیز اضافه می‌کند که "دولتی کردن همه چیز تقلید کور کورانه از شرق است" و بدین ترتیب فاتحه بقیه در صفحه ۱۳

# در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

قانون اساسی را میخواند.

از سوی دیگر، آقای مهدوی کنی بخش دیگری از اصول قانون اساسی را که معادن حیاتی را متعلق به دولت می داند مورد حمله قرار داد و می گوید " ما می گوئیم اگر معدن در ملک شخصی باشد، این مال آن شخص است " ( اطلاعات، ۱۴/۳/۶۲ ) و البته بلافاصله " مرحمت فرموده " معادنی را که " خیلی در عمق زمین باشد " لایق چون برای سرمایه دار استخراجش صرف نمی کند - مشمول " بحث دیگری " می داند .

در عرصه " مناسبات اقتصادی با کشورهای دیگر نیز راستگرایان مهر خود را بطور کامل بر سیاست های کشور زده اند . اعزام یک هیأت " بلند پایه " ایرانی به ژاپن برای بسط مناسبات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بازرگانی، آنهم چند روز پس از کنفرانس ویلیامزبورگ که در آن سران کشورهای عمده سرمایه داری غرب و از جمله ژاپن از تحول براست در حاکمیت ایران پرزور خشنودی کرده و به بسط مناسبات با ایران تمایلی نشان می دهد، که زمامداران جمهوری اسلامی ایران اکنون، در های کشور زابروی سلطه " امپریالیسم " به روی سرمایه داری وابسته باز می کنند .

## راستگرایان برای حمله به خاکریز بعدی آماده می شوند

در هفته گذشته آقای مهدوی کنی سخنگوی راستگرایان حاکم " مژه " داد که قسطنطینک خاکریز " باقی مانده و آنهم بزودی تسخیر خواهد شد و از این سخن گفت که " خط دیگری " بعد از " خط حزب توده "، " کشف " شده است . ( اطلاعات - ۱۴ خرداد ) . آقای کنی ادامه می دهد که برای سرکوب این " خط " که می گوید " شورای نگهبان طرفدار فتودالها و سرمایه دار ها است " ملاقاتهایی انجام داده و شرح آن را چنین ذکر می کند:

" عرض کردم خدمت امام یا شما این فتوا را ( درباره معادن ) از رساله خودتان بردارید یا ما در شورای نگهبان نمی توانیم بگوئیم معدن در ملک شخصی مطلق مال دولت است، به ما اتهام می زنند که طرفدار سرمایه دار هستیم خدمت امام عرض کردم، اگر طرفدار سرمایه داری این است اول خود شما طرفدار سرمایه دار هستید . این آماده شدن راستگرایان برای حمله به " خاکریز بعدی " در حالی است که اینجما و آنجا پرسیده می شود " آیا راست است که محکومان و گرانفروشان و سودپرستان از خدا بی خبر، با نزدیک شدن به دولت و دستگاههای مسئول صادرات و واردات کشور، راه نزدیک رسیدن به ثروت و پایمال نمودن حقوق مصرف کنندگان مستضعف را فراموش کرده اند ؟ " ( سخنان نماینده لا رستان در مجلس، اطلاعات، ۴ خرداد ) و نیز " آیا صحت دارد که دادگاههای انقلاب و دادگستری، با ۱۸۰۰ نفر چرخش، بسرعت مشغول

بازگرداندن اموال طاغوتیان و دزدان بیت - المال یا نان است ؟ آیا راست است که فتودالها و سرمایه داران توسط بعضی از حکام شرع جهان تازهای گرفته اند ؟ " و بالاخره پرسیده می شود که نکند " کاسهای زیر نیم کاسه باشد ؟ " ( همانجا ) آقای برهانی در مقاله ای در روزنامه " صبح آزادگان " دوشنبه ۱۶ خرداد می پرسد " چرا هنوز یک حکم مفسد فی الارض در مورد غارتگران اجرا نشده، پس کی این محکومان ضد انقلاب مفسد فی الارض می شوند، آیا باید صبر کرد تا همه مملکت را بیلند ؟ "

جای تاسف است که در حالی که راستگرایان تیغ خود را برای بخون کشیدن همه مدافعین زحمتکشان تیز می کنند، هنوز عدای هستند که بجای در یافتن خطر واقعی و افشای خطر راست و مبارزه قاطع و اصولی با کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و نمایندگان مشرعشان، کارزار تبلیغاتی ضد توده های همراه شده اند و می پندارند که با تکرار این یا آن دشنام ضد توده های دشمن به آنها رخصت خواهد داد .

## لیبرالها به میدان می آیند

بیدالله سبحانی، سخنگوی جناح لیبرال خواهان آشتی با امپریالیسم، و سخنگوی آنها می که " سه سه بار نه بار غلط کرد ند که انقلاب کردند "، نطقی در مجلس ایراد کرد و خواهان برقراری جلسات سری در مجلس شد . پیشنهاد لیبرالها که سنترم تخیر آئین نامه " داخلی مجلس است، مورد تأیید ضمنی رئیس مجلس قرار گرفت .

همچنین بلندگوهای امپریالیسم و ضد انقلاب در خارج از کشور اخیراً درباره فعالیت های " نهضت آزادی " تبلیغات گسترده ای برآه انداخته اند و از این سخن می گویند که در جلسه " اخیر این گروه در تهران، ۴۰ نماینده " مجلس شرکت جستند .

فعال تر شدن نیروهای سازشکار و طرفداران آشتی با امپریالیسم پیش از هر چیز در ارتباط با غلبه " سیاستی است که می خواهد از انقلاب انتقام بگیرد .

## کارگران بر حقوق خود اصرار می ورزند

کارگران فصلی و پرورهای شهر سنج در طوماری خواستار تدوین قانون کار انقلابی با مشارکت کارگران بر مبنای قانون اساسی و ایجاد تخمیرات بنیادی در شرایط زندگی شان شده اند . در این طومار خواسته های کارگران بدین شرح شمرده شده است :

" برسمیت شناختن فعالیت های سندیکایی شورائی رفح هرگونه تبعیض ملی - مذهبی و سنی و جنسی در رابطه با حقوق کار - حق انعقاد قرارداد های دسته جمعی توسط سازمان های صنفی کارگران، ایجاد کار برای همه و رفع بیکاری در سطح کشور - آزادی انتخاب شغل و تأمین شغلی - ایجاد کلاسهای سواد آموزی و کسار آموزی جهت بالا بردن تخصص کارگران - استفاده

از تعطیلات و مرخصی های ضروری - تعیین حداقل دستمزد و حداقل سن کار - تعیین ساعات کار قانونی - برآورده کردن نیاز کارگران به مسکن - ایجاد تعاونیهای مصرف کارگری تأمین بیمه های اجتماعی از قبیل: بهداشتی و درمانی، سوانح و از کارافتادگی، پیری، بازنشستگی، کمک هزینه و یا استخدام دولتی کارگران فصلی در فصل های بیکاری و رفع ایس مشکل بزرگ جامعه و ...

بعنوان نیازهای اساسی جامعه اسلامی اقدام نمائید . با این حمایت از نیروی کار جامعه و مستضعفین در جهت حفظ استقلال و اجسرای عدالت اجتماعی تا برقراری حکومت مستضعفین بر مستکبرین همه با هم تلاش نمائیم .

امضاء و اثر انگشت تعداد کثیری از کارگران مسلمان

## زارعین حتی از اراضی موات هم اخراج می شوند

راستگرایان مشرعی مدافع بزرگ مالکی در تهابم لجام گسیخته خود به حقوق دهقانان زحمتکش ابتدا بند " ج " قانون مصوب شورای انقلاب را متوقف کردند، سپس در راه تصویب طرح اراضی انواع و اقسام کار شکنی ها و سنگ اندازی ها برآه انداخته اند، بر سر راه آن " دلان بهشت " شورای نگهبان را طم کردند و بالاخره امروز کار بجایی کشیده است که سمینار هیأت های لانفره در قطعنامه ای از شورای عالی قضایی خواسته است " از صدور احکام خلع بید و اخراج زارعین در مورد اراضی موات خود داری کند " . ( کیهان ۹ خرداد )

این است عاقبت آنهایی که می خواستند پاسدار منافع کارگران و دهقانان و زحمتکشان باشند، اما حال نمی توانند حتی اراضی موات را برای دهقانان محروم تأمین کنند، و این دهقانان زحمتکش را از این زمین ها نیز اخراج می کنند،

## شوخی نیست ... !

روالد ریگان نماینده مجلس شورای اسلامی " ناطق با بیان سیاست های استعماری شوروی " گفت: ما همسایه جنوبی شما هستیم و شما این خود کا می را در حق ما کردید . شما میخواهید کودتا راه بیاندازید و این ملت را گرفتار کنید . شما در چکسلواکی، لهستان، آمریکا، لاتین و آفریقای جنوبی در صدد به بند کشیدن ملل مستضعف هستید .

چیز عجیبی است! اتفاقاً ریگان هم بطور عمده در مورد چکسلواکی، آمریکا، لاتین و آفریقای جنوبی اتحاد شوروی را متهم به توطئه چینی میکند این قشریها طی دگردیسی خود چقدر شبیه ریگان، سمبل " شیطان بزرگ " شده اند!



# ساواک بازسازی شده توسط جمهوری اسلامی نیز قادر به انجام رسالت ساواک آریامهر نیست!

بقیه از صفحه ۱

محتوای اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران پاسخ داده میشد، آغاز گشت، ارتجاع این بار آنچنان به پیروزی خود در گرفتن "اقراریه" از قربانیان، توسط راهها و ادوات جدید شکنجه مطمن بود، که از دهان مسئولان دولتی یکی دو روز بعد از دستگیری رهبران حزب اعلام کرد: "آنها اعترافات مهمی در مورد جاسوسی کرده اند که بزودی به اطلاع امت حزب الله خواهد رسید!" آری نزدیک به سه ماه پس از دستگیریها، دخیمان توانستند از انسانهایی مسخ شده و در هم کوفته "اقراریه" مورد علاقشان را بگیرند و فوراً با شادی اعلام کنند که حزب توده ایران "غیرقانونی" است! آن بخش از نیروهای حاکمیت، که زمانی بخواستههای خلق همراه بودند، اگر هم در ابتدا فکر میکردند بازسازی ساواک دارای "محاسنی" است و بدین طریق چشم بر این توطئه خزنده علیه

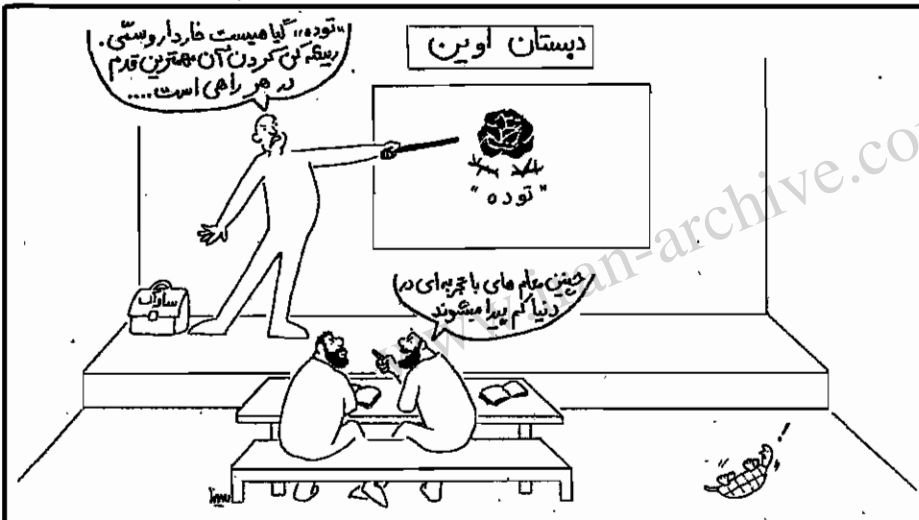
آینده بنفع "اسلام" و برای سرکوبی "رقبا و کمونیستها" استفاده کرد به مزایای سیاسی بازسازی ساواک باور کرده بودند، منتشر نشد، بلکه حتی هجوم عزیزان به حزب توده ایران ابعاد تازه ای بخود گرفت، دفتر حزب در تهران و شهرستانها غارت شد و ارگان مرکزی حزب توسط دولت ممنوع اعلام شد!

تاثیر مخرب نفوذ ساواکیها در ارگانهای جمهوری اسلامی، هر روز با اشکال تازه تری از قبیل نارضایتی مستمر، کار شکنی، تفتیش عقاید بازداشتهای غیرقانونی و حتی رسیدن اخبار شکنجه بازداشت شدگان از زندانهای جمهوری اسلامی، نمود نمائی میکرد. ساواک که کرم دیگر بخاطر "خوش خدمتیهای" خود به جناح راست حاکمیت، در تعقیب و پیگرد و آزار دگراندیشان خصوصاً هواداران سوسیالیسم علمی، به یک

این سازمان جهنمی در ابتدا از نخبه ترین دو-خیمان رکن دو و مزدوران و اوباشانی کسه در کودتای ۲۸ مرداد نقش خود را بخوبی ایفا نموده بودند، زیر نظر مستقیم سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) تشکیل شد و به مرور با تربیت کادریهای مجرب و شکنجه گران آرموده، که با مد رنترین سیستمهای جاسوسی و کنترل و جدیدترین ادوات و اشکال شکنجه های روحی و جسمی در مکتب "سیا" و "موساد" آشنا میشدند، با گذشت زمان تبدیل به یک شبکه اهریمنی برای اعمال سرکوب و ایجاد خفقان گردید.

همانطور که ذکر شد مهمترین هدف تشکیل این سازمان جنایتکار، مبارزه با جنبش توده های و اندیشه های سوسیالیسم علمی در مین مابود و هم از اینرو اعمال فشار و سرکوب از طرف این سازگ نسبت به پیروان سوسیالیسم علمی و نیروهای راستین چپ باشد و حدت بیشتری دنبال می شد. با اینحال افسانه قدر قدرتی "ساواک آریامهر" دیری نپائید و جنبش توده های از اواخر دهه ۴۰ و اوائل دهه ۵۰ با سازماندهی دقیق قادر به شکستن سکوت مرگبار حاکم برجامعه شده و سیر اعتلائی خود را آغاز نمود. شبکه های مخفی تشکیلات "نوسید" وابسته به حزب توده ایران، تحت شرایط بسیار دشوار حاکم، دست به کار تبلیغی و ترویجی عظیمی زدند، که بیشک در تاریخ جنبش کارگری ایران و جهان با خطوط زمین رقم زده خواهد شد.

با انقلاب شکوهمند مردم ایران در بهمن ۵۷، تشکیلات جهنمی ساواک نیز چون حباب روی آب ترکید و توده ها جواز انحلال آنرا صادر نمودند. بخشی از اعضای رهبری ساواک دستگیر و عده های نیز با به فرار گذاشتند. دستگیر شدگان بعضاً در دادگاههای انقلاب محاکمه و بسزای اعمال خود رسیدند. ولی با صراحت میتوان گفت، که با اعمال نفوذ لیبرالها و برخی از "روحانیون" و "انجمنهای اسلامی" چون حجیتیه، که پیوند های محکمی با ساواکیها داشتند، این جانوران در نژد فرصت این را یافتند، که با توبه کردن و "مسلمان" شدن نه تنها از کیفر قانونی بگریزند، بلکه بسا ابقا در مقامات اداری و دولتی و نفوذ در ارگانهای برآمده از انقلاب، نقش مهمی در تیشه زدن به ریشه انقلاب از درون ایفا کنند. به همین علت از همان ابتدای انقلاب نیروهای مترقی و در رأس آنها حزب توده ایران با پیگیری خواها افشای چهره های این عناصر پلید توسط حاکمیت بودند. شعار "لیست ساواکیها را منتشر کنید" را که ماهها همه روزه در "نامه مردم" ارگان مرکزی حزب توده ایران نقش میبست، همه بخاطر دارند. ولی نتیجه کار چه شد؟ نه تنها لیست ساواکیها بخاطر کار شکنی راستگرایان و لیبرالها و حجیتیه ایها و بی تفاوتی و سطحی نگری مسلمانان مبارز در حاکمیت، که بعضاً حتی تحت تاثیر تبلیغات راستگرایان مبنی بر اینکه میتوان از ساواک در



انقلاب مردم فروستند، زمانیکه توطئه علیه رهبران حزب توده ایران وارد مرحله کیفیتاً تازه ای شد، با سکوت رضایت آمیز و حتی "خوش رقصیهایی" بعضی خود در مورد این جنایت حیوانی، دیگر عملاً شریک جرم محسوب میشدند، چرا که آنها بخوبی میدانستند و میدانند، که تنها "جرم" توده ایها اینست که حاضر نیستند درفش انقلاب را بر زمین بگذارند، آنها میدانستند و میدانند که حزب توده ایران پیگیرترین مدافع اهداف استقلال طلبانه، آزادخواهانه و عدالت جویانه انقلاب است و چون آنها از سیاست ماشاات و تسلیم پیروی نمیکند، آنها میدانستند و میدانند، که تنها با گذشتن از روی نعلش توده ایها (آنطور که صادق قطب زاده مدوم وصیت کرده بود) میتوان انقلاب را بسه بیراهه های کشاند، که راستگرایان و "متحدین مسلمان" این حضرات نشان داده بودند. آری آنها اینرا میدانستند و میدانند، زمانیکه این جنایت هولناک علیه فرزندان راستین خلسق را "امداد غیبی" و "لطف الهی" نامیدند، تا به خیال خود برای آن پوشش "شرعی" بدوزند، بقیه در صفحه ۱۰

ارگان رسمی ولی مخفی تبدیل میشد، از بیرون توسط انفجار و تیراندازی و از بین بردن مسلمانان مبارز در حاکمیت و از درون با اعمال سیا-ستهای راستگرایانه و ضد انقلابی، عملاً بازسازی شده بود.

راستگرایان و مرتجعین، که حزب توده ایران را سد راه خود برای رسیدن به مقاصد شومشان در به شکست کشاندن انقلاب و احیای دوساره مناسبات آریامهری ولی بدون شاه و با پوشش "اسلامی" میدیدند، با بخدمت گرفتن مهرها-ئی چون ژنرال فردوست، که کینه های حیوانی نسبت به رهبران حزب توده ایران در دل داشت، زمینه تدارک هجوم همه جانبه به حزب و رهبری آنرا میچیدند. دخیمان "ساواک جدید"، که در یکی دو سال اخیر در سازمانهای جاسوسی آمریکا و انگلستان و اسرائیل پامد رنترین دستگاهها و اشکال شکنجه های جسمی و روحی و داروئی آشنا شده بودند، تیغ خود را برای جان بهترین فرزندان خلق تیز میکردند. بدین ترتیب هجوم افسارگسیخته علیه حزب توده ایران در حساس-ترین مرحله انقلاب، یعنی زمانی که باید بسه

# نامه خوانندگان

## این جهان کوه است و فعل ماصدا باز می آید صداها را ندا

مولوی

### بژوال

در این روزهای تاریک که دیکتاتوری "سود و سرمایه" برای سومین بار طی هفتاد سال، با چهره‌های متفاوت از دیکتاتوری های رضا - خان و فرزند معدومش محمد رضا، اما با همان محتوی، منتهی به مراتب خونین تر و وحشیانه تر از آن دو دوران، بر میهن انقلابی ما مسلط میگردد، امواج بلندی از هواخواهی و پشتیبانی رزمده از انقلاب خلق و گردان پیشتان آن حزب طبقه کارگر، حزب توده ایران و رهبری آن افشا، دسیسه‌ها و توطئه‌های امپریالیسم و عمال ایرانی آن برخاسته است که طی اشعار، نوشته‌ها، طنزها، هزلها، خاطرات و داستانهای فراوانی بیان میگردد و برای "راه توده" فرستاده می‌شود.

واکنش جوانان انقلابی میهن ما در برابر راستگرایان خادم سرمایه و مستولان تسلیم شده بآنها نشان میدهد که تلاش آنها برای فریختن مردم با موفقیت مطلوبشان روبرو نبوده و بسیاری از مردم آگاه و انقلابی ما بخوبی بر قانون شکنی های راستگرایان و پیمان شکنی های تسلیم طلبان، بر درنده خویشهای فاشیستی، تزویرها، دروغهای ابله فریب راستگرایان و وردستهای بجهه گوی، هوراکش و تسلیم طلب واقفند و حتی این فراشان تازه بدوران رسیده استان مقدس سرمایه برای جوانان انقلابی میهن ما رنگی ندارد.

فراشان تازه نفس سرمایه افتخار می‌کنند که بالاخره شاگرد اول مکتب خانه امپریالیسم سازمانهای سیا و موساد شده و در ضربه زدن به نهضت کارگری ایران به چنان موفقیتویی رسیده‌اند که تاکنون نصیب هیچک از غلام زادگان پیشین سرمایه از رضاخان انگلیسی گرفته تا محمد رضای امریکائی، نشده بوده است.

رفیق ف. سحر از لیورپول در پاسخ این بلبل زبانیهای و افتخارات سیاه دولتداران جمهوری اسلامی ایران شعری برای ما فرستاده که نشان میدهد مشعل فروزان رزم طبقه دارگر ایران و هواداران آن که طی ۷۰ سال توانها و گردبادهای سختی را از سرگذرانده هنوز هم راهنماو روشنی بخش دل و دیده خلق و جوانان انقلابی میهن ماست. این رفیق می‌نویسد:

### حزب من

درخت تنومند وجودت در اعماق زمین ریشه کرده است

و نهالی که باغبانان انسانیت با خون خود سیراب کرده‌اند سربلند و پیراسته، آفتاب را میزبان است.

آن شاید جنگ افروز به برکنندنت چنگال تیز کرده است. و آن در زخم زراند وز بجان باغبانت هجوم برده است، تاریخ مقدست را به تهمت می‌آید و به راه پرتوانت توهین روا میدارد.

لکن آنها غافلند که کارد را به خارا آزمون می‌کنند غافلند که

ریشه‌هایت در اعماق زمین است و جوانه‌هایت آفتاب را میزبانند.

رفیق علی م. از لیورپول طی شعری انگشت بر دلائل اصلی توده ستیزی، عوامل سرمایه نهاده و می‌نویسد:

چند شب پیش بعد از شنیدن اخبار "راد یو ایران" چند کله‌ای بصورت شعر بروی کاغذ آوردم که برایتان میفرستم:

### راه ما مرگ ندارد هرگز!

در دیار غم و غریب ز درون من هجرت زده دور از دیار و دیار سرکشد فریادی سززند آوازی کای ایران، ایران! قد علم کن، برخیز! باز دشمن دشته‌ها را کرده تیز.

هرگز ز مرگ هراسمان نیست راه ما مرگ ندارد مرکز مرگ ما پیروزی است روز پیروزی ما، بهروزی است. روز خشنودی پیکارگران، کارگران سحر رنجبران آفتاب دهقان روز آزادی و آبادانی است.

آری، آری، ایران سرمان بر سر دار است از آن که ترا خواسته‌ایم آزادان که ترا خواسته‌ایم آبادان

آری، آری اینست آن گناهی که بیدادگ سرمایه - اجز و مزدش مرگ است. لکن از مرگ هراسیمان نیست راه ما مرگ ندارد هرگز مرگ ما پیروزی است روز پیروزی ما، بهروزی است.

رفیق کاوه در شعری که از ایتالیا فرستاده با اشاره به حیدر عموغلی انقلابی مبتکسر و اندیشمند ایرانی که بخانه یک کمونیست یا به اصطلاح زمان خود سوسیال دمکرات تمام زندگی آگاه خود را نخست در خدمت انقلاب جنگل گذراند و سرانجام بدست همسرزمان فریب خورده ناجوانمردانه بقتل رسید، یاد آوری می‌کند که توده‌ایهای امروز از خانواده و قبیله همان حیدر عموغلی هستند که گرچه با غدرو خیانت از پای درآمد، ولی راهش تا امروز ادامه یافته و از این پس نیز خواهد یافت و دشمنان توده‌ایهای امروز نیز روزی در دادگاه تاریخ باید همچون قاتلین حیدر عموغلی سرافکننده و شرمسار پاسخگوی خلقهای زیر ستم میهن باشند.

رفیق نوشین نامهای در باره دستگیری پدرش، به "گناه" عضویت در حزب توده ایران برای ما فرستاده و می‌نویسد خوشبختم اینکه درد گرفتاری دواره پدرم را بوسیله شعر بیان کنم، اینکه پدران تودای ما بدانند که افتخاری برای ما هستند، شعر رفیق جوان ما نوشین بدینصورت آغاز می‌گردد:

ای چپ، زندگای، زندگای توده، زندگای، زندگای ایران زنده است تا سوز زندگای.

دوست عزیزك ع نوشتاید که چرا از میرزا کوچک خان جنگلی و مرحوم خیابانی به نیکی یاد کردیم و آنانرا بخود نسبت دادیم؟ غافل از اینکه بر همه مسلم است باعث شهادت این بزرگو-اران حزب توده... بوده است.

دوست عزیز، از بزرگان به نیکی یاد کردن ارتباطی با بخود نسبت دادن آنها ندارد. ما از همه بزرگان گذشته، صرفنظر از برخی اشتباهات کوچک و بزرگشان به نیکی یاد میکنیم زیرا معتقدیم بزرگش نخوانند اهل خرد

که نام بزرگان بزشتی بزد لازم به یاد آوری است که شهادت میرزا کوچک خان و شیخ محمد خیابانی سالها پیش از بنیان گذاری حزب توده ایران انجام گرفته است. بنابراین حزب توده ایران نمی‌تواند باعث شهادت آنان بوده باشد. اگر هم چنین پنداشته اید که کمونیست های ایرانی باعث شهادت آنان شده‌اند باز دچار اشتباه شده‌اید و شما را به استضعاف کشاندانند.

لااقل در مورد حوادثی که اکنون در کشور میگذرد چشم و گوش خود را باز کنید تا فردا نه گوئید که "حزب توده ایران باعث شکست انقلاب اسلامی شد".

دوست بسیار گرامی م احساسات پاک شما که در قالب شعر ریخته شده بود ما را بشدت تحت تاثیر قرار داد. امید داریم در فرصت مناسب بتوانیم از این شعر شما استفاده کنیم. شما خود متوجه هستید که اندکی درنگ در این مورد جایز است تا قضایا انطور که باید و شاید آشکار گردد.



### پاکستان پایگاه آمریکاست

امپریالیسم آمریکا و محافل ناتو به مسوالات سیاست نظامیگرایانه خود در اروپا که تجلی آنرا در استقرار موشکهای میانبرد میتوان مشاهده کرد، در صددند تا منطقه اقیانوس هند را نیز به پایگاه پر قدرت امپریالیسم در چارچوب سیاست استراتژیک جهانی خود در مبارزه علیه سوسیالیسم و جنبشهای مترقی در منطقه بدل سازند. علیرغم آنکه اکثریت کشورهای غیرمتحد از طرف سازمان ملل متحد خواستار تبدیل منطقه اقیانوس هند به منطقه صلح شده اند، امپریالیسم آمریکا با تقویت پایگاه خود در جزیره دیکوگارسیا تشکیل ستاد فرماندهی مرکزی نیروهای مداخله سریع و استقرار آن در این منطقه حلقه پایگاههای خود بر دور اتحاد شوروی را تنگتر کرده و منطقه رابه کانون تشنج خطرناک بدل کرده است.

طبق اطلاعاتی که اخیراً منتشر شده اند، آمریکا و پاکستان یک قرارداد محرمانه به امضاء رسانده اند که طبق آن، پاکستان به آمریکا اجازه داده است تا نیروهای مداخله سریع در صورت لزوم از پایگاههای نظامی این کشور در کراچی و بندر گوواتر (پاکستان) و همچنین مناطق نظامی پیشاور استفاده کنند. همچنین در نظر گرفته شده که پنتاگون یک شبکه الکترونیکی در پاکستان برای رهبری عملیات نظامی خود در خلیج فارس و آسیای جنوب غربی دایر کند. اگرچه ضیاءالحق

این مسئله را تکذیب کرده است، اما شواهد برقراری روابط تنگ نظامی میان آمریکا و پاکستان که بصورت تشدید ارسال تجهیزات نظامی آمریکا به پاکستان، که بد رنترین سلاحها و تجهیزات پیچیده نیز در میان آنهاست، تجلی یافته، به اندازه کافی افشاگر واقعیات موجود است. گرایش هرچه بیشتر پاکستان به استراتژی نظامی آمریکا نه تنها علیه افغانستان و اتحاد شوروی بلکه به تمام کشورهای مسترقي و جنبشهای آزاد بیخشن منطقه و بمنظور تامین صدور نفت به غرب است.

### اجلاس اونکتاد در بلگراد

ششمین کنفرانس بازرگانی و تکامل سازمان ملل متحد در بلگراد آغاز بکار کرده است. اونکتاد که ارگان دائمی مجمع عمومی سازمان ملل متحد است، موافق قطعنامه صادر شده در زمان پایه ریزی خود در سال ۱۹۶۴، مسائل مربوط به تشویق ایجاد روابط بازرگانی میان کشورهای با سطح متفاوت رشد اقتصادی و کشورهایی با نظام های اجتماعی - اقتصادی گوناگون و تدوین اصول بنیادی مربوطه را در دستور کار خود دارد. تا کنون ۵ کنفرانس جهانی بازرگانی برگزار شده است. در ژنو (۱۹۶۴) در دلهی (نوامبر ۱۹۶۸) در سانتیاگو شیلی (۱۹۷۲) در نایروبی (۱۹۷۶) و در مانیل (۱۹۷۹).

در جلسات مقدماتی شورا دستور کار کنفرانس جاری در بلگراد با مشورت شرکت کنندگان معین شد. طیف وسیعی از مسائل روز جهانی پیرامون بازرگانی، ارزی و مالی در این کنفرانس مورد بررسی قرار خواهد گرفت. تاثیر بحران اقتصادی جهان سرمایه داری بر مناسبات اقتصادی و رشد اقتصادی کشورهای، جستجوی گامهایی در جهت برقراری نظام نوین اقتصادی بین المللی، میزان

تحقق برنامه مواد خام، که در اجلاس قبلی کنفرانس تدوین شده بود، مسائل مربوط به پیشرفت هایی در مبادله کالا با توجه به سیاست مقابله با ورود کالا به کشورهای امپریالیستی، مسئله دکراتیزه کردن مناسبات مالی و ارزی بین المللی و همچنین تحقق برنامه مربوط به کمک به کشورهای بارشد نازل که در پاریس تدوین شده بود از جمله مسائلی است که در بلگراد مورد بحث قرار دارد. ۱۶۶ کشور در جلسات اونکتاد شرکت دارند.

### در نیکاراگوئه

ارتش مردمی ساندينیستی همچنان در حال تار و مار کردن ضد انقلابیونی است که از خاک هندو راس به داخل نیکاراگوئه رخنه کرده اند. دولت نیکاراگوئه یادداشتی اعتراضی در مورد پرواز هواپیماهای نظامی این کشور بر فراز خاک نیکاراگوئه تسلیم دولت هندوراس کرد. همچنین اعلام شد که وضع فوق العاده در نیکاراگوئه برای یک سال دیگر تمدید شده است. اما میتوان پس از پایان یافتن تجاوزات خارجی، این وضع پایان یابد.

وزیر امور خارجه نیکاراگوئه نیز طی یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که دولت شیعوی همچنان خواهان مذاکره با هندوراس به منظور رفع اختلافات موجود است. وی از بیانیه رئیس جمهور کاستاریکا که اعلام کرده است با تمام توان و امکانات خود اجازه نخواهد داد که از خاک این کشور علیه نیکاراگوئه تجاوزی صورت گیرد، استقبال کرد.

**کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!**

**رفقای هوادار حزب توده ایران در گوئینگن هزینه جانب این شماره "راه توده" را تأمین کردند**

رفقای گوئینگن برای دو مین بار هزینه چاپ یک شماره "راه توده" را تأمین میکنند

**RAHE TUDEH**  
No. 46  
Friday, 17 June 83  
Address: **Winfried Schwarz**  
Markgrafenstr. 13  
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
1	Italy	600	L.
France	U.S.A.	40	Cts.
Austria	Sch. Sweden	3	Skr.

### کنفرانس های مطبوعاتی در پایتخت های اروپا، ●●●

بقیه از صفحه ۵  
بود، گفت: "من نه تنها در اثر نمایش این فیلم ها به واقعیت شکنجه روی این افراد پی برده ام، بلکه از شدت و سببیت این شکنجه ها شوکه شده ام." ضمناً در این مورد، نظر رسمی دکتر ج ۱۰ تامسن، استاد عالی رتبه روان پزشکی دانشگاه لندن، که به دلیل وضعیت اضطراری از شرکت در جلسه عذر خواهی نموده بود، خواسته شد. وی در نامه خود از جمله متذکر گردیده است: "بی حالتی صورت و بی تفاوتی چشمان آن نقری که فیلم آنها را دیده ام شدیداً جلب توجه می نماید. احتمال اینکه این "اعترافات" از روی میل و اراده باشد از نظر من بسیار اندک است. اگر ادعا شود که "اعترافات" با ارزش و بر طبق

اراده این افراد بوده است، من باید این افراد را در یک جلسه مصاحبه عمومی تر ببینم تا با و رکنم."

در پایان آقای بهتر داتی ضمن ارائه جمع بندی بحثهای جلسه، از کلیه نیروهای مترقی، مدافعان حقوق بشر و رسانه های گروهی خواست که با "کمیته بین المللی پشتیبانی از زندانیان توده های" همدا شده و مقامات ایرانی را با دار سازند تا در وهله اول این میهن پرستان را بلا درنگ آزاد سازند و در غیر این صورت، یک هیئت بین المللی را برای بازدید از زندانیان توده ای بپذیرند.

### شهادت آیت الله سعیدی

۲۰ خرداد، همچنین مصادف با سالروز شهادت آیت الله سعیدی است که او هم در زیر شکنجه ساواک بشهادت رسید. دست جنایتکار همان شکنجه گرانی که رفیق قهرمان ما حکمت جو و مبارز مذهبی آیت الله سعیدی را شکنجه نمودند، و به شهادت رساندند امروز هم از آستین شکنجه گران توده های ایران در بند بیسرون میاید.

### روزی که ...

بقیه از صفحه ۷  
پیمان می بندند که راه او را تا پایان برونند و بسا بیکار بی امان خود ریشه های تسلط اهریمنی امپریالیسم را از خاک وطنی که خون "حکمت جو" ها آنرا آبیاری کرده است، بکنند.